دانشگاه خوارزمی

تحلیلی از ویژگیهای

برنامه ریزی شهری در ایران

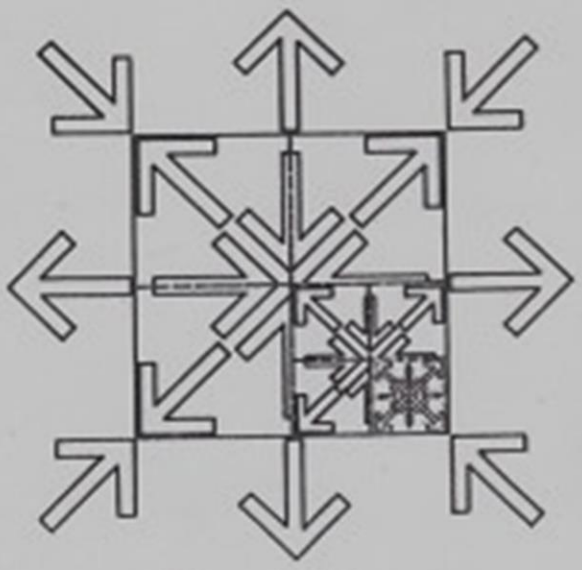

ناصر مشهدیزاده دهاقانی

دانشگاه خوارزمی

دانشکده علوم جغرافیا

خلاصه کتاب
(تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران)

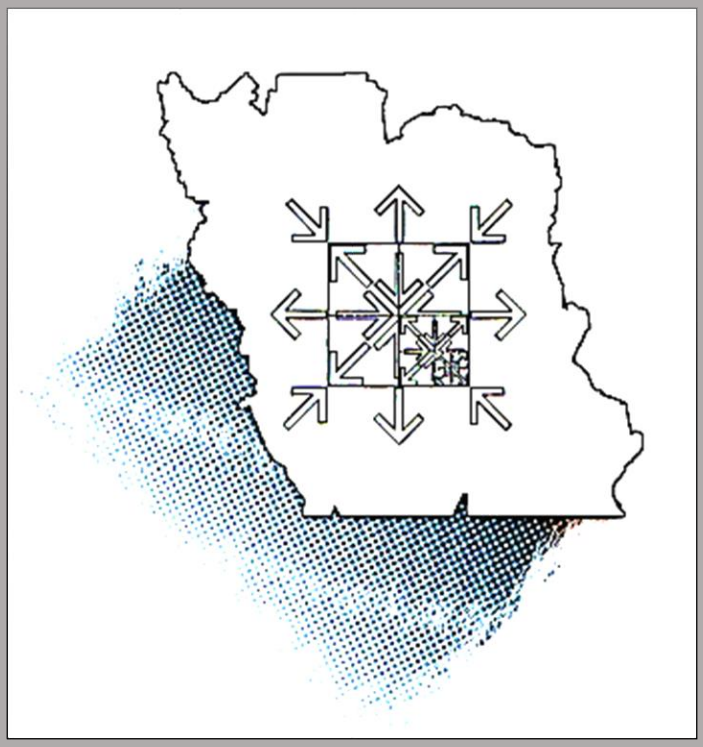

تهیه و تنظیم :

علی شماعی

(دانشیار گروه جغرافیا انسانی دانشگاه خوارزمی تهران)

« فهرست مطالب »

عنـــوان	صفحه
بخش یکم : برنامه‌ریزی شهری در دوران باستان و پس از ورود اسلام	۱
• شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در دوره‌ی باستان	۳
پایه‌گذاری و ایجاد اولین هسته‌های شهری و شهرنشینی در زمان مادها و هخامنشیان	۴
دوره‌ی تحولات جدید شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در زمان سلوکیان و اشکانیان (پارت‌ها)	۵
ادامه و تکامل روند شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در زمان ساسانیان	۸
• شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در دوره‌ی پس از ورود اسلام	۱۱
سیر تحولات تاریخی شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در دوره‌ی پس از ورود اسلام	۱۲
نکاتی پیرامون شهرها و ویژگی‌های کالبدی آن‌ها در دوره‌ی پس از ورود اسلام	۱۵
بنیان‌های زندگی شهری	۱۵
ویژگی‌های ساخت کالبدی	۱۷
ویژگی‌های سیمای کالبدی	۱۷
ویژگی‌های بافت کالبدی	۱۹
فضاها و عناصر اصلی کالبد شهر	۱۹
بخش دوم : برنامه‌ریزی شهری در دوره‌ی جدید	۲۹
• شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری: مرحله‌ی تحول و دگرگونی (دوره‌ی جدید)	۳۱
بررسی روند و مراحل شهرنشینی در دوره‌ی جدید	۳۱
تحلیل آماری شهرنشینی در چهار دوره‌ی سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵	۳۳
• شهرنشینی و تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه‌های اخیر	۳۶
نگاهی بر تحولات اقتصادی در دهه‌های اخیر	۳۶
اصلاحات ارضی و اثرات آن بر رشد شهرنشینی	۴۰
مهاجرت روستاییان به شهرها	۴۲
حاشیه‌نشینی در ایران	۴۵
تمرکزگرایی و بهم خوردن شبکه‌ی شهری در ایران	۴۸
• مرحله‌ی تحول و دگرگونی در برنامه‌ریزی شهری	۵۲
شروع اقدامات شهرسازی جدید و تأثیر آن بر روی عناصر و اجزاء اصلی شهرها	۵۳
تحلیلی از رشد و توسعه‌ی فضایی شهرهای ایران	۵۸

بخش یکم :

برنامه‌ریزی شـــهری
در دوران باستان و پس از ورود اسلام

مطابق با فصل‌های اول (ص. ۱-۲۶) و سوم کتاب

نگاهی بر روند شهرنشینی در ایران

روند شهرنشینی در ایران را تا قبل از فرا رسیدن دوره‌ی جدید می‌توان به دو دوره‌ی تاریخی تقسیم کرد :

دوره‌ی باستان

دوره‌ی پس از ورود اسلام

شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در دوره‌ی باستان

شهرنشینی در ایران دارای قدمتی دیرینه است. تمدن‌های قدیمی مانند عیلام، شوش، سیلک کاشان و شهر سوخته، نمونه‌هایی از مجتمع‌های زیستی اولیه هستند.

شهرنشینی در دوره‌ی باستان از سه مرحله‌ی پیوسته گذر کرده‌است :

۱. دوره‌ی پیدایش شهرها و رشد آرام شهرنشینی
۲. دوره‌ی تجربه‌ی بزرگ تاریخی و بنیان‌گذاری شهرهای خودفرمان به سبک شهرهای یونانی
۳. دوره‌ی به زیر فرمان درآوردن شهرهای یونانی‌وار، توسط دولت مرکزی

از هزاره‌ی ششم تا اول قبل از میلاد شاهد دگرگونی‌ها و تحولاتی در ایران و بین‌النهرین هستیم که آن را دوره‌ی تکوین و تکامل شهرسازی نام نهاده‌اند؛ چراکه در مجتمع‌های زیستی، در پی توسعه و گسترش جمعیت و پیشرفت تمدن، این نیاز پیدا شد که با تفکر بیشتری به ساختن پرداخته شود؛ بنابراین ساکنین بناهای خود را بر اساس نقشه‌های از پیش اندیشیده شکل دادند.

نمونه‌هایی از محوطه‌های باستانی که سابقه‌ی برنامه‌ریزی در ایران را تأیید می‌کند :

تپه سیلک کاشان - تپه حصار در دامغان - تپه هرسین (چغازنبیل) و هفت تپه در خوزستان

همچنین در شهرهایی مانند شوش، وجود نظم و دقت در مراکز سکونتی ایجاد شده و شبکه‌بندی خیابان‌ها، تکامل معماری و شهرسازی و افزایش مهارت به نمایش گذاشته شده است.

پایه‌گذاری و ایجاد اولین هسته‌های شهری و شهرنشینی در زمان مادها و هخامنشیان

- دوران حکومت مادها

با ایجاد اولین دولت مستقل در ایران به نام سلسله‌ی مادها، نیاز به ایجاد یک پایتخت که هم مرکز حکومت باشد و هم تجمع گروهی وسیع را فراهم آورد، احساس می‌شد. هگمتانه، نخستین شهر مادها و به عنوان محل تجمع و مظهر یگانگی آن‌ها در پاسخ به این نیاز ساخته شد. البته به وجود ده - دژهایی اشاره شده که قبل از هگمتانه شکل گرفته‌اند.

در این زمان، امپراطوری ایرانیان تا داخل ترکمنستان گسترش یافته و ساختمان‌هایی در دهکده‌های آن‌جا ایجاد شد، که شهرهایی چون توپواکالا، مرو و ماراکاندا را شکل داد. همچنین شهرهای دیگری مانند ری در این زمان احداث شدند ولی چندان گسترش نیافته و شهرنشینی در مرحله‌ی رشد نخستین خود باقی ماند.
شهرهایی که در زمان مادها احداث شدند، بیشتر جنبه‌ی اداری - سیاسی داشتند.

- دوران حکومت هخامنشیان

پیدایش امپراطوری هخامنشی، دو سازمان شهری ناهمسان را در قلمروی واحدی گردآورد :
یکی سازمان شهری کم رشد سرزمین‌های ایرانی و دیگری سازمان شهری رشد یافته در سرزمین‌های فتح شده.
امپراطوری هخامنشی به مالیات‌هایی متکی بود که از ساکنین شهرها و بازرگانان شهری می‌گرفت. این امر، باعث گسترش شبکه‌های ارتباطی و بازرگانی بین‌المللی در قلمرو حکومتی واحد گردید.

شهر به عنوان مقر پادشاه و وابستگان او، مظهر عظمت و قدرت امپراطوری و مکان صدور فرمان و ابلاغ آن به دیگر نقاط بود. لذا می‌توان گفت که ایجاد شهرهای مهم در این زمان، جنبه‌ی اداری - سیاسی داشت و این شهرها بیشتر تحت تأثیر تمایلات و خواسته‌های پادشاهان شکل گرفته و کمتر از عوامل طبیعی متأثر می‌شدند.
هر مجموعه درون فضایی سبز ایجاد می‌شد، که آن را از سایر فضاها جدا می‌کرد. همین دارا بودن حالت اردوگاه نظامی بود، که یونانیان پایتخت کورش را پاسارگاد (پارسه‌گرد) به معنی اردوگاه پارسیان می‌نامیدند.

از زمان هخامنشیان مجموعه‌های وسیعی مانند سروستان، فیروزآباد، نقش رستم و تخت‌جمشید به جا مانده. مجموعه‌ی تخت‌جمشید بر روی تپه‌ی سنگی طبیعی - قسمتی از کوهستان رحمت - واقع شده‌است. این نقطه بهترین مکان برای ایجاد شهر تشخیص داده شده‌بود. قبل از بنای عناصر شهر، اقداماتی در جهت زیرسازی زمین و تجهیز آن به تأسیسات زیربنایی صورت گرفته‌است؛ مانند هموار ساختن سطح بالای تپه به منظور به صورت قائم درآمدن سطح ساخت مجموعه. ساخت و ایجاد هر قسمت نیز با توجه به موقعیت بناها و پستی و بلندی سطح مورد نظر، با برنامه انجام شده‌است.

در زمان هخامنشیان، تقسیم کار میان کشاورزی، صنعت و تجارت در اجتماعات شهری و روستایی وجود نداشت. در نتیجه تمایز و کشاکشی نیز میان شهر و ده به چشم نمی‌خورد.

دوره‌ی تحولات جدید شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در زمان سلوکیان و اشکانیان (پارت‌ها)

- دوران حکومت سلوکیان

با شکست امپراطوری هخامنشی توسط اسکندر، مرحله‌ی تغییر در نظام و شکل شهرنشینی در ایران آغاز شد. اسکندر سعی در اشاعه‌ی فرهنگ یونانی در مناطق وسیع تحت نفوذش داشت؛ لذا به ایجاد شهرهای متعدد و توسعه‌ی شهرنشینی دست زد.

سلوکیان بانیان شهرهای جدید در ایران بودند. سلوکیان سرزمین‌های حاصل‌خیز و در عین حال دارای اهمیت نظامی را برای ایجاد شهرهای جدید انتخاب می‌کردند. این عمل باعث رونق کشاورزی و ایجاد امنیت در راه‌های تجاری شد. پیامد این اقدامات گسترش تجارت و بازرگانی و تضمین امنیت کشور در مقابله با شورش‌های احتمالی بود.

کاربرد روش‌های جدید در کشاورزی و باغداری، توزیع زمین‌های آماده برای کشت بین شهروندان و روستاییان، موجب پیشرفت کشاورزی گردید.

شهرهای نوبنیاد سلوکی به سبک هیپودام ساخته می‌شدند و طرح این گونه شهرها هیپوداموس نام داشت. طبق نقشه‌ی مزبور، شهر دارای دو خیابان اصلی شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بود که یکدیگر را قطع کرده و زوایای قائمه تشکیل می‌دادند. کوچه‌ها و خیابان‌های جنبی نیز موازی با خیابان‌های اصلی و یا عمود بر آن‌ها بودند. بلوک‌های مربعی منازل بدین طریق ایجاد می‌گشت.

لوئیز مامفورد در مورد شهرهای امپراطوری اسکندر در دوران هلنیستیک می‌گوید که :

این شهرها بهداشتی‌تر از انواع قدیمی‌تر خود بودند. همچنین از گچ و آجر و خشت ساخته می‌شدند. خیابان‌ها و کوچه‌های آن‌ها مستقیم و زمین خانه‌ها مستطیل یا مربع بود. به همین دلیل کوچه‌ها با زاویه‌ی ۹۰ درجه تغییر جهت می‌دادند.

در شهر ناحیه‌ای مربع یا مستطیل شکل وجود داشت که به نام آگورا خوانده می‌شد. این مکان مرکز مبادلات کالاها و اجتماعات سیاسی بود. معمولاً سه طرف این محل‌ها بازار و مسکن و طرف دیگر ادارات قرار داشتند.

سلوکیان بنیان‌گذار شهرهای "خود فرمان" به سبک شهرهای یونانی بودند. این شهرهای خود فرمان به چند دسته تقسیم می‌شدند :

دسته اول - شهرهایی که قبلاً وجود داشتند و یونانیان به توسعه و ترقی دادن آن‌ها پرداختند.

مانند شهر مرو

دسته دوم - شهرهای جدیدی که سلوکیان به پیروی از اسکندر بنا کردند. این شهرها مرکز اقامت مهاجرین بود.

مانند شهر اوروپوس - سلوکیان مهاجران و سربازان یونانی را در پادگان‌های نظامی اسکان می‌دادند. پس از توسعه و گسترش نیز به آن‌ها مقام پولیس اعطا می‌کردند.

دسته سوم - روستاهایی که مستعد شهر شدن بودند. و یا شهرهای کوچکی که توسعه یافتند و اطراف آن حصاری کشیده می‌شد. با تشخیص یونانیان به مرکز و اهالی شهر حقوق پولیس (دولت‌شهر) اعطا می‌شد.

دسته چهارم - کلنی‌های نظامی که از حقوق و مزایای پولیس برخوردار شده و منزلت شهری می‌یافتند.

مانند شوش، فسا، کنگاور و نهاوند - این دسته غالباً مکان‌هایی بودند که قبلاً صورت شهری داشته و محل سکونت یونانیان قرار می‌گرفت. این شهرهای قدیمی توسط یونانیان توسعه و گسترش می‌یافت.

به طور خلاصه سکونت‌گاه‌های شهری در زمان سلوکیان را می‌توان به چهار گروه تقسیم نمود :

۱. شهرهای نوساز ایجاد شده توسط یونانیان
۲. شهرهای ایرانی تغییر یافته
۳. روستاها و شهرک‌های تبدیل به شهر شده
۴. کلنی‌های نظامی که با ترقی عنوان پولیس می‌گرفتند

به طور کلی می‌توان گفت شهرنشینی و شهرسازی در این زمان تحت تأثیر دو عامل عمده از توسعه و رشد زیادی برخوردار شد :

عامل اول) ضرورت حفظ سرزمین‌های پهناور تحت سلطه و نحوه‌ی انتظام و اداره‌ی امور کشوری و لشکری

عامل دوم) توسعه‌ی بازرگانی و صنعت

- دوران حکومت اشکانیان (پارت‌ها)

شهرهای پارتی نیز همانند شهرهای سلوکی از استقلال نسبی در امور داخلی برخوردار و برخی از تأسیسات اجتماعی مربوطه را دارا بودند. بنیان اقتصادی کشور نیز نخست بر کشاورزی و سپس بر بازرگانی استوار بود.

شهرها با شدت گرفتن روابط تجاری بیشتر و گسترده‌تر با همسایگان، از حالت نمایش قدرت و عظمت فرمان‌روایان خارج شدند. همچنین شهرها طبقاتی را در خود جای دادند که جدای از روستاییان و کشاورزان اطراف شهرها، تنها به امور تجاری و بازرگانی اشتغال داشتند. از طرفی شهرها شدیداً به مازاد کشاورزی روستا وابسته شدند؛ چرا که تغییر شکل و نقش آنان، استفاده از تولیدات زراعی و دامپروری را ایجاب می‌کرد.

در این دوران رونق تجارت، صنعت و کشاورزی باعث افزایش جمعیت شد.

در این زمان بنابر نیازهای نظامی و اقتصادی، احداث قلعه‌ها و شهرهای مربع، مستطیل و بیضی شکل رو به افزایش گذاشت.

از نظر شهرسازی، منطقه‌ی گرگان رایج‌ترین شیوه‌ی شطرنجی یا شبکه‌بندی محوطه بوده است. در این طرح خیابان‌ها و گذرها به شکل موازی و عمود بر هم قرار می‌گرفته‌اند و مراکز اقتصادی مانند بازارها یا راسته‌ی صنعت‌گران در امتداد جاده‌ها که به دروازه‌ها منتهی می‌شده، قرار داشته‌است.

انواع شهرها در زمان حکومت اشکانیان :

اشکانیان علاوه بر حفظ شهرهای مهاجرنشین یونانی، گاه شهرهای قبلی را توسعه می‌دادند. مانند هسته‌ی اولیه‌ی شهر مرو. این هسته دایره‌وار ساخته شده بود و یک کمربند دفاعی خارجی بشمار می‌رفت. آن‌ها سیاست شهرسازی شهر مرو را به ضرورت عوامل نظامی تغییر دادند.

شهرهایی نیز توسط اشکانیان به شکل مدور و گرد پایه‌گذاری شدند. ایجاد چنین شهرهایی با احداث یک یا دو دیوار و استحکاماتی در اطراف آن همراه بود. جالب توجه‌ترین نمونه‌ی این دسته عبارت بود از شهر "دارابجرد".

طرح دایره‌ای شهرها نشانی از عدم امنیت و ثبات سیاسی خارجی و اغتشاشات داخلی است. از این رو شهرهایی مانند "فیروزآباد"، با مقاصد نظامی پایه‌گذاری شدند. اما در اثر توسعه منزلت شهری یافتند.

سلسله‌مراتب شهرهای مدور دوره‌ی اشکانی :

در وسط ارگ و کاخ و مرکز اداری و سپس محله‌های مسکونی قرار داشت و پس از آن حومه‌ی کشاورزی

نمونه‌هایی از شهرهای دوره‌ی اشکانی :

از دیگر شهرهای ایجاد شده در این زمان می‌توان به نساء و تیسفون (پایتخت اشکانیان) اشاره کرد و یا شهر اشکانی آشور که بر خرابه‌های شهر قدیمی آشور ساخته شده و همچنین شهر هترا که از لحاظ ساختمان دارای اهمیت بوده است.

ادامه و تکامل روند شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در زمان ساسانیان

در این زمان شهرنشینی شکل جدیدی پیدا کرده و خصوصیات تازه‌ای یافت. این ویژگی‌های متفاوت ناشی از تحول نظام اقتصادی برده‌داری به فئودالیسم بود. همراه با رونق شهرنشینی، شهرسازی نیز از پیشرفت قابل توجهی برخوردار شد.

از مهمترین ویژگی‌های دوره‌ی ساسانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

رونق بازرگانی و صنعت - گسترش شاهراه‌های داد و ستد و بازرگانی - رشد شهرهای وابسته به دستگاه اداری

از میان رفتن نهادهای یونانی شهر - افزایش دخالت دستگاه اداری در زندگی شهری و امور اصناف و بازرگانان

گسترش دامنه‌ی شهرسازی متأثر از سه عامل زیر بود :

۱. بکار گرفتن مردم در دستگاه دولت
۲. شکوفایی بازرگانی و پیشه‌وری
۳. ضرورت دفاع از مرزها

در این دوره شهرهایی به وسیله‌ی اسکان اسیران و مهاجران شکل گرفتند. از این اسیران در رونق صنایع ایران به ویژه صنعت نساجی و همچنین در ساختن استحکامات و شبکه‌های آبیاری استفاده می‌شد.

نمونه‌هایی از شهرهای دوره‌ی ساسانی :

یکی از این شهرها "اردشیرخوره" یا فیروزآباد است که انجام محاسبات دقیق ریاضی بر روی تمام نقشه‌ی شهر، آن را از بسیاری از شهرهای دایره‌ای مثل هترا و دارابجرد (دارابگرد) متمایز می‌کند. مکان‌یابی اولیه‌ی شهر با در نظر گرفتن جوانب طبیعی، دفاعی و نظامی صورت گرفته و کانال‌های منظمی برای خارج‌کردن آب موجود دشت، در اطراف شهر ایجاد شده‌بود.

شهرها به صورت شبکه‌بندی با نقشه‌ی قائم‌الزاویه (سیستم هیپودام) وجود داشتند. مانند بیشاپور در فارس، جندی‌شاپور و ایوان‌کرخه در خوزستان و دربند، تیسقون و نیشابور.

شهر بیشاپور به سه قسمت تقسیم می‌شد :

۱. شهر خاص ←—— دارای برج و حصار و چهار دروازه بود
۲. نواحی خارج شهر ←—— در این قسمت پاسگاه‌ها قرار داشت که خود نیز دارای دروازه بودند
۳. پاسدارخانه‌ها

هر دو شهر اردشیرخوره و بیشاپور به دو منطقه تقسیم شده بودند :

یک منطقه‌ی بزرگ برای اسکان مردم شهر

و یک منطقه‌ی کوچک برای ابنیه‌ی رسمی و بناهای دولتی و مذهبی

برنامه‌ریزی شهری در دوره‌ی ساسانی :

هرچند که در اواخر حکومت ساسانی عملیات ساختمانی به مجموعه‌ی مقرهای شاهی منحصر می‌شد، اما در کل گسترش شهرنشینی، رونق تجارت، وسیع بودن قلمرو امپراطوری ساسانی و لزوم اداره‌ی مناسب آن باعث ایجاد برنامه‌ریزی‌های منظم، سنجیده و دقیق می‌گردید. این برنامه‌ریزی‌ها را می‌توان در دو سطح بررسی کرد :

در سطح شهر

وجود تأسیسات و تجهیزات پیشرفته‌ی شهری - شبکه‌های دفع فاضلاب - کانال‌های آبرسانی

شبکه‌ی توزیع آب - شبکه‌ی منظم معابر

در سطح منطقه

ایجاد تأسیسات زیربنایی مانند توسعه‌ی خطوط ارتباطی، ایجادپل‌ها، ایجاد سدها و کانال‌های آب‌رسانی

ایجاد کاروان‌سراها و چاپارخانه‌ها - ایجاد آب‌انبارهای بین راه

اجزاء سه‌گانه‌ی ساخت شهر در زمان ساسانیان :

۱- کهندز یا قلعه	اولین و مهمترین قسمت شهر ساسانی بود و مهمترین اجزاء شهرهای اداری - سیاسی را تشکیل می‌داد. این بخش دارای برج و بارو بود و بوسیله‌ی خندقی احاطه می‌شد، که تنها توسط دروازه‌ای به خارج راه داشت. محل احداث این قلعه‌ی نظامی در بهترین و بلندترین نقطه قرار داشت. البته در قسمت اصلی و مرکزی بعضی از شهرهای ساسانی آتشکده‌هایی نیز ساخته می‌شد.
۲- شهرستان یا شارستان	این قسمت پیرامون کهندز قرار داشت و در واقع همان بخش اصلی شهر است، و دروازه‌های شهر نیز به این قسمت باز می‌شده. این بخش محلات را در خود جای داده و روابط اجتماعی و اقتصادی بین مردم ساکن در آن وجود داشت.
۳- ربض یا حومه	در بیرون حصارهای بخش اصلی شهر، شارستان را احاطه می‌کرد. کشت‌زارها و مزارع نیز در این قسمت قرار داشت. تهیه‌ی نیروی انسانی مورد نیاز و همچنین تولید مواد غذایی و کشاورزی مصرفی شهر به عهده‌ی ساکنین حومه بود. در محلات بیرون شهر عواملی چون مذهب و حرفه در چگونگی پخش و تقسیم‌شدن افراد مؤثر بود. افراد هر حرفه یا صنف در یک محله یا راسته می‌زیستند.

به دلیل توسعه و رونق تجارت در زمان ساسانیان، بازارها و مراکز تولید قلب واقعی شهرها را تشکیل می‌دادند. بازار به تدریج جای خود را در شهر ساسانی بازکرده و در بافت شهر جای گرفت.

بازارها که ابتدا در ربض و در ورودی شهر جای داشتند، به تدریج با رونق گرفتنشان، به سمت داخل شهر و به طرف مرکز شهر گسترش یافتند و به عنوان عنصر مهم خود را نمایاندند.

شهرها محل فعالیت پیشه‌وران بود. هر رشته‌ای دارای صنف ویژه‌ای بود که اعضای آن در محله یا کوی خاصی در شهر یا جوار آن سکونت داشتند. از ویژگی‌های مهم این عصر، وجود بازارهای مجهز در شهرها بود. علاوه بر نقش اقتصادی مهمی که در زمان ساسانیان به شهرها تعلق گرفته بود، شهرها در این زمان از شالوده‌های سیاسی بشمار می‌آمدند. نظام طبقاتی حاکم بر شهرها گویای این نقش سیاسی است.

بافت طبقاتی ایران ساسانی در اواخر قرن چهارم میلادی عوض شده و بزرگان با صاحبان حرف و بازرگانان یکی شدند و در عوض قشر جدید دبیران به وجود آمد.

از نظر ساخت اجتماعی ۴ طبقه در شهرها وجود داشت :

۱. روحانیون

۲. نظامیان (ارتشیان)

۳. دبیران

۴. توده‌ی ملت (روستاییان، صنعتگران و شهریان)

طبقه‌ی اول در کهندز، طبقه‌ی دوم و سوم که هر دو جزء طبقات ممتاز به حساب می‌آمدند در شهرستان و طبقه‌ی چهارم در حومه جای می‌گرفتند.

از خصوصیات دیگر قابل مشاهده در شهرهای دوره‌ی ساسانی، منتهی شدن معابر اصلی شهر به چهار دروازه‌ی اطراف شهر است. این مسئله به تبعیت از چهار جهت جغرافیایی و ناشی از جهان‌بینی و اعتقادات آنان بوده است.

به طور خلاصه در سیستم شهرسازی ساسانیان دو عامل جلب توجه می‌کند :

عامل اول) اجزاء سه‌گانه‌ی ساخت شهر

عامل دوم) وجود جهات چهارگانه در هنگام ایجاد معابر و دروازه‌ها

شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در دوره‌ی پس از ورود اسلام

با ورود اسلام به ایران، شهرنشینی وارد مرحله‌ی جدیدی شد. قوانین اسلامی وارد زندگی شهرنشینان شد. این قوانین در روابط اجتماعی و اقتصادی جوامع شهری و روستایی تأثیر قابل توجهی داشت.

شهرها علاوه بر نقش‌های سیاسی، اداری و بازرگانی و یا نظامی، وظیفه‌ی مذهبی ویژه‌ای به خود گرفتند. بنابراین مسجد جای خود را در اجزای نظام اجتماعی شهر باز کرد. بازارهای مجهز ساسانیان به موازات گسترش امپراطوری اسلامی، نفوذ خود را به صورت بسط مبادلات بازرگانی به آن سوی مرزها گسترش دادند. علاوه بر آن تأثیر خود را در سیمای شهرها نمایانده و به شهرهای دوره‌ی پس از ورود اسلام، نقش بازرگانی و صنعتی بخشید. همبستگی مذهبی، شکل تازه‌ای به روابط موجود میان افراد ساکن در محلات داد و پیرو آن نظام طبقاتی زمان ساسانیان به هم خورده، ربض و حومه نیز اهمیت بیشتری نسبت به شارستان پیدا کرد. این همبستگی بین شهر و روستا نیز روابطی نو برقرار کرد و به دنبال آن مفهوم منطقه‌ی شهری شکل گرفت، که عبارت بود از روابط متقابل بین شهر و روستا بر اساس مبادله‌ی مازاد تولید، کالاهای صنعتی، مروجین مذهبی و ... بین یکدیگر و نفوذ شهر در روستاها و شهرهای کوچکتر اطراف.

کالبد و فضای شهرهای اسلامی در پی ایجاد بناهای تازه مانند مسجد جامع، مدارس علمی و دینی، زیارتگاه، تکیه، حسینیه، و نقشی که مساجد در ساخت کالبدی شهر و بافت اجتماعی جامعه ایفا می‌کردند، تغییر کرد.

از مهمترین ویژگی‌های شهری این دوره می‌توان به گونه‌شدن و فشرده‌شدن عناصر تشکیل دهنده‌ی بافت شهرها اشاره کرد.

سیر تحولات تاریخی شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در دوره‌ی پس از ورود اسلام

- قرون متقدم و میانی اسلامی
- *از ابتدای ورود اسلام به ایران تا حکومت صفویه*

روند شهرنشینی در قرون اول و دوم هجری قمری از رونق مناسب برخوردار نبود. این امر دو دلیل عمده داشت :

۱. اوضاع آشفته‌ی ایران قبل از ورود اسلام به ایران
۲. عدم آشنایی اعراب با مدیریت مورد نیاز در مورد اداره‌ی امور شهرهای تسخیر شده و یا ایجاد شهرهای جدید

شهرهای قرون اولیه‌ی اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شدند :

الف) شهرهای نوساز (نوبنیاد)

ب) شهرهای تغییر شکل یافته

✎ انواع شهرهای قرون اولیه‌ی اسلامی :

الف) شهرهای نوساز ، شهرهای نوساز را اغلب شهرهایی تشکیل می‌دادند که نشانه‌ی قدرت و وحدت سیاسی امپراطوری اسلامی بودند.

۱- شهرهایی که برای قدرت‌نمایی از صفر ساخته می‌شدند.
مانند: شهر اولیه‌ی بغداد که در کنار خرابه‌های تیسفون بنا شد.
۲- شهرهایی که بر اثر گسترش قلعه‌های نظامی شکل می‌گرفتند.
۳- ایجاد شهری جدید در کنار شهر قبلی (که غالباً اردوگاهی برای اسکان سپاهیان و مهاجرین عرب بود)
مانند: کوفه، قیروان و شیراز
۴- شهرهایی که پیرامون شهادت‌گاه و یا مزار پیشوایان مذهبی بنا می‌شد.
مانند: مشهد، قم، کاشان و مراغه

ب) شهرهای تغییر شکل یافته ، شهرهایی بودند که به وسیله‌ی ایجاد مساجد و بناهای جدید و یا با انتخاب شدن به عنوان دارالاماره توسعه یافته و یا دوباره‌سازی شدند. مانند: اصفهان و ری

پیدایش حکومت‌های محلی در قرن‌های سوم و چهارم هجری قمری، به بهبود اوضاع اقتصادی و عمرانی کشور منجر شد. زیرا بخش قابل ملاحظه‌ای از خراج‌ها و دیگر عوارض و مالیات‌هایی که از مردم گرفته می‌شد، در داخل ایران به مصرف احداث کانال‌های آبیاری، حفر قنات و آبادانی شهرها رسیده و کشاورزی رونق تازه‌ای گرفت.

در قرون میانی اسلامی و در زمان سلجوقیان، شاهد شکوفایی هنر ایرانی به شکل معماری ساختمان‌ها و بناها هستیم. در این دوره شهرهایی مانند اصفهان، ری و جرجان به آبادانی و عظمت رسیدند.

در قرن چهارم هجری قمری، بزرگترین شهرهای ایران که از شهرهای اروپا در قرون وسطی مهمتر و پرجمعیت‌تر بودند، در مسیر راه‌های کاروان‌رو و طرق تجاری قرار داشتند. از شهرهای حائز اهمیت این زمان می‌توان به اصفهان، شیراز، ری و نیشابور اشاره کرد.

شهرنشینی و شهرسازی در ایران از قرن سوم تا ششم هجری قمری در اثر گسترش و رونق بازارهای داخلی و داد و ستد خارجی، از توسعه‌ی سریعی برخوردار شد. این پیشرفت در زمان استقرار حکومت‌های ایرانی سامانیان، آل بویه و آل زیار در کنار توسعه‌ی تجارت و فعالیت‌های اقتصادی، گسترش راه‌های ارتباطی و کاروانی و توسعه‌ی تولیدات کشاورزی و صنعتی فراهم شد. در این زمان شهرهای مهمی با صدها هزار نفر جمعیت شکل گرفتند. همچنین در این زمان با گسترش ربض و همچنین توسعه‌ی ارتباطات با روستاهای اطراف، شهر فئودالی در ایران شکل گرفت.

یورش مغول در قرن هفتم هجری قمری شهرنشینی را از رونق انداخت و باعث ویرانی بسیاری از شهرها شد و شهرهایی نیز پس از خرابی به دست فراموشی سپرده شده و هرگز روی آبادانی را ندیدند. فقط شهرهایی مانند کرمان و شیراز از این گزند مصون مانده و رونق خود را حفظ کردند.

عوامل مؤثر در رکود شهرها پس از یورش مغول :

- زوال کشاورزی
- مالیات‌های سنگین بر کسبه و پیشه‌وران شهری و بیگاری کشیدن از آنان

پس از مدتی جانشینان چنگیز که با فرهنگ ایرانی و اسلامی آشنا شده و اهمیت شهر را در نظام اداری و سیاسی کشور شناخته بودند، به فکر اصلاح خرابی‌های گذشته افتادند. در زمان غازان خان، شهرنشینی دوباره رونق یافت و اصلاحاتی در زمینه‌ی دریافت مالیات از کشاورزان و پیشه‌وران، توسعه و رونق تجارت و آبادکردن زمین‌های کشاورزی صورت گرفت.

اما مجموعاً در این دوره، شهرنشینی با رکود مواجه شده، شهرها رو به نابودی نهادند و خسارات جبران‌ناپذیری نیز به نیروی تولیدی جامعه وارد شد. این وضع تا اواخر قرن نهم هجری قمری ادامه پیدا کرد.

- قرون متأخر اسلامی
- *از آغاز حکومت صفویه تا اواخر حکومت قاجار*

در زمان حکومت صفویه اوضاع کشور رو به بهبودی رفته و صنعت، تجارت و کشاورزی رونق گرفت. در زمان سلطنت شاه عباس اول، شهرنشینی رشد و گسترش سریعی پیدا کرد. عامل اصلی این رشد، رونق اقتصادی کشور و افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی و مبادلات داخلی و خارجی بود.

در این زمان شهرسازی به اوج تکامل خود رسید. گشایش شبکه‌ی ارتباطی و ساختمان عمارات، نهادها و فضاهای عمومی متمایز از محیط‌های مذهبی، مورفولوژی فشرده‌ی پیشین را تغییر داد.

به تدریج شهرنشینی، معماری و شهرسازی به همراه ایجاد ساختمان‌های سبک جدید توسعه یافت. شهرها رونق گرفت و محلات جدیدی در جوار سایر محلات قدیمی ایجاد شد و در نتیجه محلات از جمعیت متراکم شد.

با ایجاد امنیت در راه‌ها، کاروان‌سراهای متعددی در فواصل بین شهرها، خصوصاً مناطق کویری و حواشی بیابان‌ها تأسیس شد. مراکز پستی و نظامی متعددی نیز بنا نهاده‌شد که باعث تردد و ارتباط بین شهرها گردید. در شهرها نیز جهت اداره‌ی امور و کنترل جمعیت، مراکز حفظ نظم و رسیدگی به امور خلاف تأسیس گردید.

سیاست شهری شاه عباس مبتنی بر گسترش و رونق شهرهای نواحی مرکزی کشور بود. در زمان وی شهرهایی چون اصفهان، تبریز، اردبیل، کاشان، یزد، بندر عباس، همدان، قزوین، مشهد و بارفروش (بابل) توسعه یافتند. در این میان اصفهان، تبریز و کاشان مقام اول را داشتند.

پس از حکومت صفویه، در زمان حکومت‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه نمی‌توان فعالیت‌های شهرسازی زیاد و مهمی را در شهرها دید.

در عهد کریم‌خان زند، شهر شیراز که به پایتختی انتخاب شده بود، مجموعه بناهایی را به نام مجموعه‌ی وکیل دارا شد و اقدامات شهرسازی قابل توجهی در آن صورت گرفت.

شروع حکومت قاجاریه سرآغاز وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای بیگانه بود. در زمان حکومت قاجار کالاهای خارجی به تدریج وارد بازارهای ایران شد و به رقابت با کالاهای ایرانی پرداخت. اغلب کالاهای خارجی ارزان‌تر و مناسب‌تر از کالاهای داخلی عرضه می‌شدند و خسارت‌های فراوانی به تولیدکنندگان ایرانی وارد می‌آمد. منسوجات اصفهان و کاشان خسارت زیادی را در اثر ارزانی و فراوانی پارچه‌ها و کالاهای خارجی پذیرا شدند.

در این زمان فعالیت‌های شهرسازی چندی در تهران (پایتخت) صورت گرفت. اما در مقابل میادین وسیع و خیابان‌های عریض زمان صفویه، سبزه‌میدان، خیابان‌ها و کوچه‌های نه چندان با عظمت زمان قاجار قرار دارد.

البته در زمان ناصرالدین شاه تا حدی شهرنشینی رونق گرفت، ولی بر اثر وابستگی تدریجی حیات اقتصادی شهرها به فعالیت سرمایه‌داران خارجی، شهرهای ایرانی رفته رفته ویژگی‌های قدیمی‌تر خود را از دست داده و آرام آرام تحت تأثیر روند و الگوهای شهرنشینی غربی قرار گرفتند.

☑ بنیان‌های زندگی شهری

◎ سازمان‌های مذهبی و آموزشی

در قرون اولیه‌ی اسلامی، مسجد جامع به عنوان یکی از نشانه‌های تمایز شهر از روستا محسوب می‌شد. در این دوره مجتمع‌های جمعیتی و مسکونی که دارای مسجد جامع و منبر بودند به عنوان شهر شناخته می‌شدند، که بعدها مساجد عمومیت پیدا کرده و در روستاها نیز احداث می‌شدند.

◎ انجمن‌های صنفی

اتحادیه‌های اصناف که در شهرهای اسلامی وجود داشت، نطفه‌ی آن در عهد ساسانیان پدیدآمده‌بود و در صنف بازرگانان نیز تشکیلاتی داشت. از قرن سوم هجری قمری، همراه با شکوفایی تمدن اسلامی و رونق تجارت و شهرنشینی، اصناف اسلامی به صورت مستقل و دگرگون با آن‌چه که قبلاً وجود داشت، شکل گرفتند. اصناف اسلامی یکی از ویژگی‌های اساسی شهرهای اسلامی تا قرن حاضر بوده‌اند.

◎ محلات شهر

شهر اسلامی مجموعه‌ای است از محلات متجانس و همگن که بر اساس روابط، مناسبات، شکل و وابستگی‌های قومی، مذهبی و حرفه‌ای یا سرزمینی، در مکانی مشخص مجتمع شده و هویت و اصالت خود را سال‌ها به همین صورت نگاه داشته‌اند.

محلات گاه از تأسیسات و تسهیلات شهری برخوردار بوده و خود دارای بازارها، مساجد، گرمابه‌ها و سازمان‌های اداری مشخص و وابسته به حکومت بودند.

خصوصیات محله‌ها در شهرهای ایران از نظر آقای فلامکی :

۱. محلات خودیاری و استقلال سکونتی داشتند.

۲. زندگی اجتماعی محدود و مستقل از بازار در آن‌ها جریان داشت.

۳. در مقابل بازار به عنوان فضای عمومی، محلات فضایی خصوصی‌تر داشتند.

۴. رفتار اجتماعی ساکنان در سطح محله شکل خاصی داشت. (به دلیل فرهنگ ساکنین هر محله)

۵. علی‌رغم استقلال، زندگی خانواده‌های ساکن محلات تحت تأثیر وقایع شهر و حتی منطقه بود.

* رابطه‌ی شهر و روستا

در دوران پس از ورود اسلام، روابط استثمارگرانه‌ای که بین شهر و روستا در زمان ساسانیان برقرار بود، از بین رفت. در این دوره بین شهر و روستا آن‌چنان پیوند و همبستگی ایجاد شد که به عنوان یکی از وجوه تمایز عمده‌ی شهرنشینی در این دوره با شهرنشینی در اروپا بشمار می‌رود.

روابط بین شهر و روستا از نظر آقای احمد اشرف :

۱. روابط بین شهر و ده چند جانبه بوده و کنش‌های دو سویه‌ای میان آن‌ها وجود داشت.

۲. از نظر فرهنگی، شهر و ده فرهنگ مشترکی داشته‌اند.

۳. از نظر اقتصادی، تقسیم کار میان کشاورزی و مبادلات از یک سو و میان مبادلات فعالیت‌های صنعتی از دیگر سو در اجتماعات شهری و روستایی به طور کامل صورت نگرفت.

به عقیده‌ی آقای شکوئی در کتاب "جغرافیای اجتماعی شهرها"

شهرها با روستاهای منطقه‌ی نفوذ خود از سه طریق ارتباط داشته‌اند :

۱. روستاها مواد غذایی شهر را تأمین می‌کردند، و شهر امنیت روستاها را تأمین می‌کرد.

۲. شهر از طریق علمای اسلامی و مفسران قرآن با روستاها در ارتباط بود.

۳. فروشندگان و بازرگانان شهری با روستاها در جهت خرید تولیدات روستایی و فروش فرآورده‌های شهری در رابطه بودند.

به طور کلی در شهرهای ایرانی پس از ورود اسلام نمی‌توان از تمایز مطلق میان شهر و ده سخن گفت. در نتیجه مناسب‌ترین مفهومی که می‌توان به کاربرد، مفهوم منطقه‌ی شهری است که شامل شهر و منطقه‌ی نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی آن در روستاهای پیرامون است، که مجموعه‌ی به هم بسته و یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند.

☑ ویژگی‌های ساخت کالبدی

بازارها در امتداد راه‌های اصلی که به مرکز شهرها ختم می‌شد و از سوی دیگر به بیرون شهر ادامه داشت، گسترش یافته و دارای فضاها و عناصر داخلی و شهری شدند. هر قسمت و فضایی به عرضه یا تولید کالاهایی خاص اختصاص یافته و کاروان‌سراها و انبارهایی نیز برای جوابگویی به نیازهای جدید ایجاد شد.
در این زمان بازارها ستون فقرات شهر را تشکیل می‌دادند.

مساجد به عنوان ملاک تمایز شهر از روستا، در شهر جای گرفتند و همراه با ارگ و بازار، عناصر سه‌گانه‌ی تشکیل دهنده‌ی ساخت کالبدی شهرهای اسلامی را تشکیل دادند.

همچنین در این دوره، تقسیم شهر به اجزاء مشخص کهندژ، شارستان و ربض، جای خود را به مراکز دیوانی و نظامی، مراکز مذهبی، بازارها و محله‌ها داد. به دنبال این تغییرات در قرون چهارم و پنجم با پرجمعیت‌شدن شهرها و رونق بازرگانی شهر فئودالی در ایران شکل گرفت.

✎ چهار مرکز زندگی اجتماعی در شهر وجود داشت :

۱. شارستان یا خانه‌های اعیان و فئودال
۲. مدرسه، مسجد و مراکز مذهبی و صنوف روحانی
۳. بازار و چهارسوق با کاروان‌سرا و تجارتخانه‌ی عمده
۴. کوی‌های پیشه‌وران و بازارهای درجه دوم و مراکز معاملات خرده

☑ ویژگی‌های سیمای کالبدی

به تبعیت از تغییراتی که در روند شهرسازی صورت گرفت، سیمای شهرهای این دوره نیز ویژگی‌های جدیدی را پذیرفت.

سیمای شهر :

سیمای شهر عبارت است از تصویر و ترکیبی از شهر که توسط عواملی مانند اندازه، شکل، سبک، ارتفاع، حجم، و فضاهای خالی شکل گرفته است. به طور کلی همه‌ی عوامل، عناصر و فضاهایی که توسط یک ناظر قابل مشاهده هستند، جزء این عوامل بشمار می‌روند.

کوین لینچ در کتاب "سیمای شهر" عوامل پنج‌گانه‌ی زیر را در تشکیل سیمای شهرها مؤثر معرفی می‌کند :
۱- راه ۲- لبه ۳- نشانه ۴- گره ۵- محله

به عقیده‌ی آقای سلطان‌زاده . . .

+ سیمای هر شهر به دو بخش سیمای بیرونی و سیمای درونی تقسیم می‌گردد.

عوامل سازنده‌ی سیمای خارجی شهرهای ایرانی :

۱. فضاهای سبز، مزارع و باغات
۲. خط آسمان
۳. عناصر مهم کالبدی شهر

در شناخت سیمای داخلی شهرهای ایرانی - اسلامی در درجه‌ی اول می‌توان سر درب مساجد، خانه‌ها، آب‌انبارها و بازارها را مشاهده کرد. کاشی‌کاری‌ها، قوس‌های تزئینی و هنرمندی‌هایی که در ساختن گنبد مساجد و یا در ساختمان‌های خصوصی و عمومی بکار رفته، ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه‌ی سیمای شهرها را به نمایش می‌گذارد. می‌توان به خصوصیات دیگری از قبیل سازگاری در طراحی ابعاد و فرم فضاها و عناصر شهری در رابطه با کارکرد آن‌ها، شباهت سطوح خارجی بناها و یکنواختی نسبتاً کامل آن‌ها و همچنین هماهنگی در مصالح مورد استفاده در ساخت بناها نیز اشاره کرد.

بررسی عوامل پنج‌گانه‌ی سیمای شهر در شهرهای ایران :

از میان این عوامل **راه** به خوبی قابل تشخیص است. چرا که شامل عناصر و اجزای شبکه‌ی ارتباطات می‌شود، مانند بازار (راسته بازار)، معابر، راسته‌های اصلی و فرعی و کوچه‌ها و بن‌بست‌ها.

محلات نیز به واسطه‌ی مرزهای اجتماعی و فضایی جداکننده و مستقل‌گردانندهٔ آن‌ها قابل تشخیص‌اند.

نشانه از عوامل مهم در سیمای درونی شهرهای ایران است. این عامل در شکل مناره‌ها، سر درب و گنبد مساجد، سقف آب‌انبارها و یا قلعه‌ها و یا یادگیرهای بلند قابل شناسایی است. این نشانه‌ها نقش راهیابی را به خوبی در شهرها ایفا می‌کردند. به عنوان مثال مناره‌ها علاوه بر راهیابی مسافرین به سوی شهر، عابرین را نیز در شهر به طرف مراکز محله یا شهر راهنمایی می‌کرده‌اند.

گره‌ها را نیز می‌توان در محل تقاطع گذرها مشاهده کرد.

لبه‌ها به ویژه بر اثر دوگانگی‌های اخیر در ساخت شهر (یعنی وجود بافت قدیم و بافت جدید) به شکل بلوارها و خیابان‌های جداکننده و متمایز کننده‌ی دو قسمت شهر از یکدیگر، قابل تشخیص است.

☑ ویژگی‌های بافت کالبدی

با نگاه به بافت‌های قدیمی می‌توان خصوصیات زیر را در رابطه با کالبد شهرها دریافت :

۱. دانه‌بندی فضای کالبدی، یعنی فضاهای خالی و پر و مقدار آن‌ها را نسبت به یکدیگر و چگونگی رابطه‌ی بین آن‌ها مشخص می‌کند.
۲. شبکه‌ی ارتباطات و نحوه‌ی دسترسی‌ها و خصوصیات کلی راه‌ها و کوچه‌ها را آشکار می‌کند و توسط آن می‌توان راه‌های اصلی و فرعی را تشخیص داد.
۳. چگونگی نحوه‌ی توزیع فضایی فعالیت‌ها. هر فضای کالبدی توسط ابعاد و اندازه‌هایش در سطح و ارتفاع می‌تواند نمایانگر نوع و حجم فعالیت خود باشد.
۴. نحوه‌ی شکل‌گیری و مراحل رشد و توسعه‌ی شهر در طی تاریخ

☑ فضاها و عناصر اصلی کالبد شهر

عناصر و اجزایی که در شهرهای قدیمی ایران وجود داشته‌اند در رابطه‌ی متقابل با هم، دارای یک ارتباط فضایی یک‌پارچه و بهم پیوسته بوده‌اند. به موازات عملکردهای مختلف اجتماعی و مذهبی که در شهرها درهم‌آمیخته بوده، فرم‌های فیزیکی بیان‌کننده‌ی آن‌ها نیز این خصوصیات را متعکس کرده‌اند.

مفاهیمی نظیر عمومی، خصوصی، تعیین‌کننده‌ی محتوای اجزای مادی شهر هستند. تنها خصلت‌های عمومی و خصوصی، تفکیک‌کننده‌ی محیط‌های مختلف از یکدیگر است، مانند مسجد جامع، مدرسه، حمام و سرا که بناهایی عمومی بوده و امامزاده و مقبره که جنبه‌ی خصوصی‌تری دارند. این خصوصیت در مورد بناهای عمومی مورد استفاده‌ی همگان در شهر و بناهای خصوصی خانوادگی قطعیت بیشتری می‌یابد.

سرج چرمایف و کریستوفر الکساندر در کتاب "عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی":
سلسله‌مراتب فضاهای شهری در غرب را این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کنند :
فضاهای عمومی شهری ⟵ فضاهای نیمه‌عمومی شهر ⟵ فضاهای عمومی خاص یک گروه ⟵
فضاهای عمومی خصوصی یک گروه ⟵ فضاهای خصوصی خانواده

به عقیده‌ی آن‌ها . . .
هر فعالیت باید در عرصه‌ای واجد مظاهر کالبدی مشخص انجام پذیرد، و این‌که هر عرصه به سبب فرم خود بتواند نماینده و نشانگر فعالیتی باشد که اصولاً برای آن فعالیت طراحی شده است.

در شهرهای اسلامی فضاهایی مانند مسجد جامع، بازار، مراکز حکومتی و اجتماعی، فضاهای مسکونی و ... ضمن آن‌که هر کدام جای، مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله‌مراتب فضاهای شهری حفظ کرده و به انجام نقش خود می‌پردازند، همه با هم مجموعه‌ی واحدی را پدید می‌آورند که شهر را از نظر فضایی یک واحد منسجم و پیوسته نشان می‌دهد.

تاکنون تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از عناصر و بخش‌های مختلف شهرهای ایرانی پس از ورود اسلام انجام شده. در این جا به بررسی این تقسیم‌بندی‌ها و عناصر اصلی شهرهای ایرانی - اسلامی می‌پردازیم.

آقای سلطان‌زاده، دو تقسیم‌بندی از عناصر اصلی شهر ارائه می‌کند :

الف) عناصر بخش‌های شهرهای بازرگانی - تولیدی

۱. دروازه و بارو	۲. ارگ	۳. میدان
۴. بازار	۵. محله‌های مسکونی	۶. مسجد جامع
۷. مرکز محله	۸. واحدهای مسکونی	

ب) عناصر اصلی و الگوهای شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های ایران در مراحل نخستین تکوین آن‌ها

۱. راه	۲. زیارت‌گاه یا عنصری مقدس	۳. گورستان
۴. دروازه	۵. عناصر تجاری و خدماتی و بازار	۶. میدان
۷. مظهر یا منبع یا مسیر آب	۸. بنای مذهبی	۹. واحدهای مسکونی
۱۰. مقصل‌های سکونت‌گاه‌ها	۱۱. قلعه	۱۲. مزارع و باغات

همچنین آقای کیانی تقسیم‌بندی زیر را ارائه می‌دهد :

ج) عناصر اصلی شهرهای اسلامی

۱. حصار	۲. دروازه	۳. ارگ
۴. راه‌ها	۵. حاشیه‌شهر	۶. شاهراه‌ها (شارع عام)
۷. مسجد	۸. سازمان‌های اداری	۹. مدرسه
۱۰. بازار	۱۱. کاروان‌سرا	۱۲. محله‌ی مسکونی

- ارگ و بارو

یکی از عناصر سه‌گانه‌ی ساخت شهرهای اسلامی است و مجموعه‌ای از ساختمان‌ها، تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای می‌داد.

نخستین آبادی‌ها از یک هسته‌ی مرکزی که دیوار و برج و بارو و خندق داشت، تشکیل می‌شد که کهندژ نام داشته‌است. شهرهای اولیه نیز توسعه‌ی مناطق اطراف همین کهندژ بوده است.

+ در شهرهای اداری - نظامی، ارگ اهمیت بیشتری داشت.

فضای ارگ در شهر با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی زمین و راه‌های منطقه‌ای پیرامون آن و موقعیت نظامی - دفاعی شهر، اغلب ممکن بود در دو محل مستقر شود :

در نقاط مرتفع و یا در نزدیکی یا متصل به باروی شهر (دسترسی به راهی برای خروج از شهر)

+ در شهرهای ایران، ارگ در ارتباط فضایی با بازار و مسجد جامع قرار داشته‌است.

علاوه بر ارگ به عنوان مقر حکومتی در شهر، باید به باروها و دیوارهای محافظت‌کننده‌ی شهر در قدیم اشاره کرد. به هنگام ایجاد برج و بارو در اطراف شهرها، فضاهایی را در داخل دیوارهای شهر به فضای سبز و کشاورزی اختصاص می‌دادند. دروازه‌های شهر نیز از عوامل بسیار مؤثر در شکل‌گیری راسته‌ها و خیابان‌های شهری در داخل دیوار بشمار می‌آمدند. بازارها نیز در طول آن‌ها تا نزدیکی مسجد و یا ارگ مرکزی شهر ادامه پیدا می‌کردند.

- مسجد جامع و فضاهای مذهبی و آموزشی

یکی دیگر از عناصر سه‌گانه‌ی مهم در شهرها مسجد جامع است. مسجد جامع گاه به عنوان مقر حکومت، پیوند دهنده‌ی مذهب با حکومت بوده‌است، و گاهی به عنوان مدافع مردم و توده‌ی ملت در مقابل حاکمین ستمگر بوده و نقش هماهنگ‌کننده‌ی اقدامات مبارزاتی علیه آنان را به عهده داشته است.

تحولات اهمیت مسجد در شهر اسلامی :

مرحله‌ی اول - ابتدای ظهور اسلام ⟵ مسجد صورتی ساده داشت.

مرحله‌ی دوم - عهد بنی امیه ⟵ مسجد و قدرت امپراطوری همبستگی نزدیکی پیدا کردند.

مرحله‌ی سوم - خلافت عباسیان ⟵ به تدریج مسجد و قدرت سیاسی حکومت از یکدیگر جدا شدند.

مرحله‌ی چهارم - از آغاز قرن ششم ⟵ در شکل و توزیع مساجد دگرگونی‌های بنیادی رخ داد.

در دوره‌ی دوم و سوم، مساجد مهمترین وجه تمایز شهر از روستا هستند و مسجد جامع مشخص‌کننده‌ی موقعیت شهری در اجتماعات اسلامی بشمار می‌آید.

به عقیده‌ی آقای فلامکی . . .

مساجد ایران را می‌توان از نظر طریقه‌ی جای‌گزینی در بافت شهری به دو رده‌ی بزرگ تقسیم کرد :

اول) مساجدی که شکل‌گیری آن‌ها در بستر کالبدی شهرها به تدریج در طی زمان صورت گرفته و در رابطه با عوامل مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و شهرسازی تغییر شکل یافته است.

دوم) مساجدی که با طرح قبلی و گسسته از بافت کالبدی مجاور، یک‌بار برای همیشه فضای آن‌ها تعیین و تثبیت گردیده‌است.

در شهرهای ایران، مسجد جامع از یک سو در رابطه‌ی مستقیم با بافت مسکونی قرار داشته، و از سوی دیگر در ارتباط با بافت تجاری - بازرگانی و خدماتی بوده است.

مساجد علاوه بر نقش مذهبی، تا قبل از ایجاد مدارس مستقل به ایفای نقش آموزشی نیز می‌پرداخته‌اند. اما دو عامل افزایش و گسترش منابع فقه و علوم مذهبی و کارکردهای اجتماعی آن و رقابت‌های مذهبی - سیاسی موجب تکوین و پیدایش فضاهای آموزشی شد.

+ ایجاد مدارس از قرن چهارم به بعد در شهرهای ایرانی اهمیت پیدا کرد.

- بازارها

بازارها از مهمترین اجزای شهرهای تولیدی - بازرگانی بوده، و نقش بسزایی در رشد و توسعه‌ی شهرها بر عهده داشته‌اند. هسته‌ی اولیه‌ی اغلب بازارها در نزدیکی یکی از پر رفت و آمدترین دروازه‌های شهر تشکیل می‌شد. این هسته ابتدا در ربض و پشت دروازه‌ی شهر شکل گرفته و به تدریج به داخل شهرستان کشیده می‌شد.

گسترش بازار به داخل شهر از طریق مهمترین راه‌های ارتباطی شهری که به دروازه‌ها منتهی شده، صورت می‌گرفت. گاهی نیز بر اثر گسترش و توسعه‌ی بازار، ممکن بود که دروازه‌های دو طرف شهر به طور پیوسته و مداوم، توسط بازار به هم متصل شوند.

♠ چکیده :

بیشتر بازارها در امتداد مهمترین راه‌ها و مسیرهای اصلی شهر تکوین یافته‌اند. همچنین در عموم موارد، راسته بازار در مسیر شاهراه اصلی شهر نیز قرار داشته و شلوغ‌ترین دروازه‌ها را به مرکز شهر متصل و مرتبط می‌کرده است.

بازارها در توسعه و گسترش شهر ایرانی - اسلامی نقش مهمی را به عهده داشتند، به نحوی که در شهرهای تازه ساخت، بازار ابتدا در ارتباط فضایی با مساجد جامع و مقر حکومتی بنا می‌شد. به تدریج با توسعه و گسترش کالبدی بازار، مساکن بیشتری در اطراف آن مجتمع می‌گشت.

بازارها اغلب دارای رشد خطی بودند، مانند بازار شهرهای نائین، دزفول، تهران، اصفهان، شیراز، بوشهر و ... اما در ضمن طی مسیرهای خطی به تجهیز خود از طریق اشغال فضاهای اطراف و تبدیل به کارکردهای مورد نیاز می‌پرداخته‌اند. فضاهایی مانند کاروان‌سرا و تیمچه، حمام، قهوه‌خانه، بارانداز، اصطبل و آسیاب، انبار و کارگاه، مدرسه، مساجد، محل‌های اجتماعات، زورخانه، آب‌انبار و ... همه اجزاء یک بازار کامل شهری را تشکیل می‌دادند. همچنین بازارها دارای معماری باشکوه و کم‌نظیری هستند، که علاوه بر ایفای نقش تجاری، به عنوان گردشگاه و فضاهای تفریحی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اجزاء مهم بازار :

راسته‌های اصلی و فرعی - بازارچه‌ها - کاروان‌سراها - تیمچه‌ها

راسته بازارها به انشعاباتی تقسیم می‌شوند که بازارچه نام دارد. هر بازارچه صنوف و شغل‌های مختلف را در خود جای می‌داده. همچنین راسته بازارها در محلی به هم می‌رسند که به چهار سوق معروف است. چهار سوق معمولاً فضایی باز با طاق‌های بلند و معماری پرشکوه و محل حجره‌ی تجار بزرگ و یا ضرابخانه است.

از قسمت‌های مهم و شلوغ بازارها قیصریه بوده است، که گرانترین و بهترین کالاها (پارچه‌ها و اجناس زینتی) در این محل عرضه شده و به فروش می‌رسیده است.

نمونه‌هایی از بازارهای ایران :

از نمونه‌های بسیار مهم و جالب بازار در ایران، می‌توان از بازار "لار" نام برد.

بازار شیراز نیز که کامل‌ترین، مجهزترین و جالب‌ترین بازار ایران از نظر سبک معماری نام گرفته، توسط کریم‌خان با استفاده از طرح بازار لار و بازار اصفهان بنا شد. این بازار قسمتی از مجموعه‌ای بود که دارای مساجد، حمام، ارگ و سایر فضاها می‌شد. در واقع بازار "وکیل" همانند قلب واقعی شیراز بوده و تمام امور بازرگانی در آن‌جا جریان داشته.

- کاروان‌سراها

از دیگر عناصر مهم شهرهای اسلامی که ایجاد آن از زمان صفویه شدت گرفت و رونق و اهمیت بیشتری یافت، کاروان‌سرا بود و فضای گسترده‌ای را به خود اختصاص می‌داد.

انواع کاروان‌سراها از نظر عملکرد و نحوه‌ی استفاده :

۱. کاروان‌سراهای مابین شهرها
۲. کاروان‌سراهای بیرون حصار شهر
۳. کاروان‌سراهای شهری

نوع سوم، دارای معماری، اجزاء و فضاهای بهتر و کامل‌تری نسبت به دو نوع دیگر است.

ماکسیم سیرو درباره‌ی کاروان‌سراهای ایران این‌گونه می‌نویسد :

کاروان‌سراهای شهری، محل مبادله‌ی کالاهای بازرگانی و مکانی برای اقامت مسافرین بودند.

انواع کاروان‌سراهای شهری :

۱. کاروان‌سراهایی که در بازار قرار داشتند. به آن‌ها تیمچه نیز گفته می‌شد.

تیمچه‌ها محل اقامت دائمی بازرگانان بودند.

۲. کاروان‌سراهایی که در خارج بازارها بودند. در اطراف آن‌ها حصار بلندی قرار داشت و وسایل بیشتری برای اقامت و آسایش در آن‌ها در نظر گرفته شده بود.

کاروان‌سراها بر اساس نقش و موقعیت، در کنار خود عناصر خدماتی زیر را داشتند :

نانوایی - حمام - اصطبل - انبار علوفه - مخزن آب - آسیاب - بارانداز - دکان و ...

نوع فعالیت و مال‌التجاره‌ای که در کاروان‌سراهای شهری مورد داد و ستد قرار می‌گرفت و رابطه‌ای که این کاروان‌سراها با تأسیسات تجارتی بازار داشتند، باعث شد که شکل‌پذیری و نقش آن‌ها متفاوت بوده و سرا، تیم یا تیمچه نام بگیرند.

سرا عبارت است از یک مجموعه‌ی بزرگ ساختمانی که حول یک حیاط بزرگ ایجاد شده و شامل انبارها و حجره‌های مخصوص جهت کنترل و رسیدگی به انواع کالاها می‌باشد.

تیم عبارت از بنایی است با فرم بسته و فضایی سرپوشیده، بدون حیاط و بارانداز وسیع، که اغلب در دو طبقه ساخته می‌شده است. اتاق‌های طبقه‌ی بالا (حجره) در بیشتر موارد به دفاتر تجاری و گاه کارگاه‌های کوچک اختصاص می‌یافته است.

تیمچه نیز دارای حجم کوچکتری نسبت به تیم بوده و در حقیقت سلول اختصاصی‌تری از بازار را تشکیل می‌داده که محل عرضه‌ی جامع‌تر و اختصاصی‌تر کالا است. این بنا از تعداد زیادی دکان تشکیل می‌شده.

- محلات مسکونی

مجموعه‌های به هم پیوسته مساکن در شهرهای اسلامی ایران، بر اساس ضوابط و معیارهای متفاوت محلات را تشکیل می‌داد.

از این رو می‌توان گفت . . .

محله مفهومی است از مسکن در رابطه با نیازهای گروهی متجانس از نظر صنفی و ضوابط اجتماعی.

به عقیده‌ی آقای پایلی یزدی . . .

عوامل مؤثر در تقسیم‌بندی شهرها به محلات، کوی و برزن‌های متفاوت از یکدیگر :

۱. برای سهولت اداره‌ی شهرها
۲. برای جداکردن گروه‌های مختلف دینی و مذهبی (محله‌ی یهودی‌ها، محله‌ی حیدری‌ها و نعمتی‌ها)
۳. برای جداکردن گروه‌های قومی مختلف (محله‌ی ترک‌ها، کردها و ...)
۴. جدایی طبقاتی (محله‌ی اغنیا و فقرا)
۵. مسائل نظامی و سیاسی (محل حاکم‌نشین خود محله‌ای را تشکیل می‌داده است.)
۶. جدایی شغلی (محله‌ی مسگرها، گازرها و ...)
۷. عوامل طبیعی مانند رودخانه، تپه و ...

محلات مسکونی شهرهای ایرانی از خانه تشکیل می‌شده است. هر خانه (سلول) به عنوان واحدی اداری، اجتماعی و اقتصادی در رابطه‌ی مستقیم با محله و شهر عمل می‌نموده است.

هنگامی که سلول‌های جداگانه و مجزای شهری به صورتی واحد در نظر گرفته شوند و به ارتباط متقابل و هماهنگ با یکدیگر بپردازند، محلات را تشکیل می‌دهند، که مجموعه‌ی این محلات، شهر را به وجود می‌آورد.

+ هر واحد مسکونی دارای دو بخش بیرونی و درونی بوده،

بیرونی محل فعالیت مرد خانه و محل پذیرایی مهمان و اندرونی محل زندگی، خلوت، خوابیدن و استراحت و آشپزی است. ارتباط این دو فضا از طریق هشتی برقرار می‌گردد.

به عقیده‌ی آقای فلامکی . . .

نحوه‌ی ارتباط و قرارگیری واحدهای مسکونی :

فضای درونی شهرهای ایران برای شهرنشینان پناهگاهی مجهز بوده و درون آن‌ها، هیچ گذر و کوچه‌ای ساخته نمی‌شود. خانه‌های مسکونی چنان با یکدیگر درآمیخته‌اند که هم از یکدیگر پناه می‌گیرند و هم در پیکره‌ی کالبدی شهر ادغام می‌شوند.

به عقیده‌ی آقای توسلی . . .

محلات شهری دارای مراکزی بوده‌اند که به رفع نیازهای روزمره‌ی ساکنین می‌پرداخته‌اند. مراکز محلات دارای عملکرد خاص در همان مقیاس بوده و عناصر مختلفی را شامل می‌شده‌اند، مانند مسجد، حسینیه، حمام، مدرسه، آب‌انبار، مغازه و گاه چند کارگاه، زورخانه و میدانچه.

اما . . .

عنصر اصلی و مشترک مراکز محلات، مسجد و بازارچه بوده‌است.

به عقیده‌ی ایشان . . .

اصل پایه که سازمان کالبدی شهرهای قدیمی ایران بر آن استوار بوده، عبارت است از پیوند رشته‌ی فضایی میان عناصر مجموعه.

به بیان ساده‌تر ...

ارتباط بین مرکز شهر و مراکز محلات از طریق رشته فضاها و عناصر ارتباط دهنده‌ای مثل گذر اصلی و میدان، تکیه یا حسینیه.

نمونه‌هایی از نظام محله‌بندی در شهرهای ایران :

از نمونه‌های جالب در این زمینه می‌توان شهر نائین را نام برد. این شهر به ۷ محله تقسیم شده و در هر محله میدان بزرگی بنام "میدان حسینیه" وجود دارد.

شهر یزد نیز از نمونه‌هایی است که می‌توان در آن یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال حساب‌شده‌ترین بافت‌های شهری را دید.

- شبکه‌ی معابر

فضاها و عناصر مختلف شهرها توسط شبکه‌ی راه‌ها و ارتباطات به همدیگر متصل شده و شهروندان از طریق شبکه‌های ارتباطی به شهر تحرک و جنب و جوش می‌بخشند.

در هسته‌ی اولیه‌ی شهرهای ایران، شکل شبکه‌ی معابر بر حسب عوامل دفاعی، نبودن قوانین مکتوب و حاکم، پیروی از اصل محرمیت و ... بافت پیچیده و درهمی را دارا بودند. اما بعدها به همراه رشد شهر در زمین‌های ذخیره شده در داخل باروها و یا گسترش‌های بعدی در زمین‌های بیرون از حصار، این گسترش از شبکه‌های آبیاری پیروی کرده است.

نظریه‌ی امس راپاپورت درباره‌ی شهرهای اسلامی :

در نظام اسلامی به جای تسهیل حرکت و دسترسی، محدودیت آن مورد نظر است تا بتوان رفتار را کنترل نمود. چنین شهرهایی از محلات متمایزی که بر اساس قومیت، مذهب، تجارت و یا کاربری به وجودآمده‌اند، تشکیل شده و ساکنین محله‌ها به محله‌ی خود علاقه و وابستگی خاصی دارند.

سلسله‌مراتب راه‌ها و شروع‌شدن آن‌ها از فضاهای عمومی گسترده به فضاهای کاملاً خصوصی درونی

شبکه‌ی ارتباطی را چه در فضاهای بیرون محله‌ای و چه در داخل بافت پیچیده‌ی محلات می‌توان به فضاهای کاملاً خصوصی (خانه)، فضای نیمه‌خصوصی (هشتی و بن‌بست)، فضای نیمه‌عمومی (گذرگاه فرعی)، فضای عمومی (گذرگاه اصلی و بازارها) و بالاخره به فضاهای کاملاً عمومی (مساجد و میدان‌ها) تقسیم کرد.

بعد از خانه (فضای خصوصی)، هشتی و بن‌بست فضاهای نیمه خصوصی هستند، که نقش رابط بین فضای خصوصی خانه و فضاهای عمومی را بازی می‌کنند. هشتی‌ها فضاهای کوچک و مسقفی بودند که درب کوچه‌ها را با یک یا دو انحنا به فضای خانه متصل می‌کردند.

بعد از هشتی فضای بازتری بنام بن‌بست وجود دارد. بن‌بست بین واحدهای مسکونی (مستقیماً یا از طریق هشتی) و فضاهای عمومی ارتباط برقرار می‌کند. گاه ورودی بن‌بست‌ها به وسیله‌ی نشانه‌هایی مانند طاق یا تنگ شدن کوچه و یا پیچ و خم‌هایی از فضاهای عمومی متمایز شده و از ورود غریبه‌ها جلوگیری می‌کرده‌است.

+ گاه سقف بن‌بست‌ها و یا حتی گذرهای ارتباطی دیگر حالت پوشیده داشته که سابات (یا دالان) نامیده می‌شود.

بعد از بن‌بست‌ها، کوچه‌ها قرار دارند. هر کوچه چندین بن‌بست را به داخل خود می‌پذیرد. در تلاقی چند کوچه، فضای بازی وجود داشته که پاتوق ساکنین کوچه بوده و شکل میدانچه‌هایی را داشتند که گذر نامیده می‌شدند.

کوچه‌ها به محورهای ارتباطی بزرگتری متصل می‌شدند که راسته محله نام داشتند. در تقاطع آن‌ها فضاهای باز بزرگتری نسبت به گذرها وجود داشت که مرکز محله را تشکیل می‌داد.

فضای ارتباطی دیگر، راسته بازارها بودند. راسته بازارها در حقیقت پیوند فضایی میان بخش‌های مختلف یک شهر را برقرار می‌کردند.

- سایر فضاها و عناصر شهری

فضاهای سبز و باغ‌ها همیشه قسمت‌های جالب شهرها را تشکیل می‌دادند. از این رو از شهرهای ایران به عنوان باغ‌شهرها و خانه‌های شناور در باغ‌ها و فضای سبز نام برده شده است.

+ اوج باغ‌شهرسازی را می‌توان در سمرقند و اصفهان دوره‌ی شاه عباس اول دید.

+ از نمونه‌های باغ‌سازی در شهرهای قدیمی باید به ایجاد چهارباغ‌ها و گردشگاه‌ها اشاره کرد. (چهارباغ اصفهان)

مادی‌ها در اصفهان نیز یکی دیگر از عوامل تأمین فضاهای سبز بوده‌اند. این کانال‌های آبیاری برای تأمین آب مصرفی مورد نیاز شهروندان از رودخانه‌ی زاینده‌رود جدا شده و در شهر جریان پیدا می‌کردند. گاهی نیز حد و مرز محلات قدیمی شهر به وسیله‌ی این مادی‌های تعیین می‌شده است.

حمام‌ها از دیگر عناصر شهرهای ایرانی است، که به عنوان مراکز بهداشتی در کلیه‌ی محلات ایجاد می‌شده و یکی از مهمترین بناهای شهری پس از مسجد و مدرسه بوده است.

ایجاد حمام‌ها در دوره‌ی عباسیان شدت گرفت و حتی گفته‌اند که حمام‌ها یکی از عوامل عمده‌ی تعیین جمعیت هر شهر بوده‌اند.

آب‌انبار با توجه به شرایط اقلیمی ایران و کمبود آب در نواحی خشک و کم‌باران کشور، به منظور جلوگیری از هدر رفتن آب به وجود آمده است. نقش آب‌انبارها در بافت شهرهای حاشیه‌ی کویر و منطقه‌های کم باران چنان چشم‌گیر است که در بسیاری از آبادی‌ها، شهرک‌ها و محله‌های مختلف شهرهای بزرگی چون یزد، آب‌انبارها قلب شهر را تشکیل می‌داده است.

بخش دوم :

برنامه‌ریزی شهری
در دوره‌ی جدید

مطابق با فصل‌های اول (ص. ۲۷-۶۰) ، دوم و چهارم کتاب

شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری؛ مرحله‌ی تحول و دگرگونی (دوره‌ی جدید)

شهرنشینی در دوره‌ی قاجار به تبع رکود اقتصادی و بحران‌های سیاسی و اجتماعی، دوران رکود خود را طی کرد. روستاییان به دلایل گوناگون بر روی زمین کشاورزی خود در روستا کار کرده و هنوز سرریز جمعیتی در روستا به دلیل عدم اشاعه‌ی بهداشت و افزایش نرخ مرگ و میر به وجود نیامده بود. در شهرها نیز آن‌چه که بتواند به عنوان قطب جاذب عمل کند و یا آن‌چه که مانند کارخانجات صنعتی و یا امور ساختمانی و خدماتی بتواند نیروی کار روستایی را به طرف خود بکشاند، وجود نداشت.

به عبارت دیگر . . .

اختلاف سطح زندگی و درآمد بین دو جامعه‌ی شهری و روستایی زیاد نبود.

شهرنشینی در دوره‌ی جدید

با روی کارآمدن رضاخان، شهرنشینی در ایران وارد مرحله‌ی جدیدی شد. در رابطه‌ی شهر و روستا دگرگونی حاصل آمد و روند و میزان شهرنشینی نیز شکل متفاوتی با زمان‌های قبلی یافت.

بدین ترتیب اقدامات عمرانی بسیاری در شهرها، به تبعیت از الگوهای شهرنشینی و شهرسازی غربی و به دنبال نفوذ اتومبیل به داخل شهرها و افزایش روزافزون آن صورت گرفت.

کارخانجات صنعتی، خدمات و نظام اداری جدید در شهرها ظاهر شدند. مکان‌گزینی این امکانات از یک طرف متأثر از تنوع سرزمینی ایران و عدم امکان تعمیم پیشرفت‌ها و تحولات جدید در تمام نقاط کشور بود، و از طرف دیگر نیز خواست‌های سیاسی و موقعیت‌های نظامی یا اداری شهرهای بزرگ و مهم آن زمان ایجاب می‌کرد که تمرکز در آن‌ها صورت گیرد.

بررسی روند و مراحل شهرنشینی در دوره‌ی جدید

پس از روی کار آمدن رضاخان، فرآیند شهرنشینی حرکت خود را به سوی یک رشد سریع و انفجاری شروع کرد، که از آن به عنوان شهرنشینی دوره‌ی جدید نام برده می‌شود.

روند شهرنشینی دوره‌ی جدید

قسمت اول - شهرنشینی بطئی : از زمان روی کار آمدن رضاخان تا سال ۱۳۴۰

قسمت دوم - شهرنشینی سریع : از سال ۱۳۴۰ تاکنون

- شهرنشینی بطئی، از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۴۰

اقتدار دولت مرکزی از آغاز این دوره گسترش یافت. با سرمایه‌گذاری بیشتر در امور زیرساختی و بخش‌های دیگر، امنیت در جاده‌ها برقرار شده و راهزنی از میان برداشته شد. به دنبال ایجاد راه‌های ارتباطی زیاد که اکثراً بین شهرهای کوچک و بزرگ ایجاد شد و همچنین افزایش ورود وسایل نقلیه‌ی موتوری، تسهیلاتی در رفت و آمد و حمل و نقل کالا، تسریع آن و کاهش هزینه‌ها فراهم آمد. در همین سال ساختمان راه‌آهن دولتی ایران به

عنوان یک سرمایه‌گذاری زیرساختی دیگر از بندر شاه در شمال تا اهواز شروع شده و ۱۱ سال بعد، یعنی سال ۱۳۱۷ به پایان رسید. صنایع جدیدی نیز در این دوره پایه‌گذاری شد و به وجود آمد.

آن‌چه که از یک طرف مقداری از نیاز مالی دولت را تأمین می‌کرد و از طرف دیگر ایران را به لحاظ قرارگرفتن در طرح تقسیم بین‌المللی کار، به سوی تک محصولی شدن سوق می‌داد، نفت بود. افزایش درآمد نفت نشان از رکود کشاورزی و صنایع دستی و از دست رفتن نقش آن‌ها در صادرات غیر نفتی داشت.

در این دوره بر نقش اداری و تجاری شهرها افزوده شد. چرا که هم تمرکز امور کشوری در شهرها سبب توسعه‌ی آن‌ها شده بود، و هم امکان مبادله‌ی کالاهای داخلی و خارجی موجبات رونق آن‌ها را فراهم می‌آورد.

همچنین در این دوره شهرها هنوز به عنوان قطب‌های تمرکز مازاد روستایی عمل کرده و در کنار آن کالاهای خارجی را وارد و به فروش می‌رساندند. روابط شهر و روستا هنوز باقی و استوار بوده و کشاورزی هنوز نقش اصلی را در حیات کشور بازی می‌کرد، چرا که کالاهای صادراتی کشاورزی می‌توانست تأمین‌کننده‌ی بودجه‌ی برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی باشد که در این دوره باید اجرا می‌شدند.

از سال ۱۳۲۰ به بعد، به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم، امکان صدور مواد خام و کشاورزی از بین رفت. صادرنشدن محصولات کشاورزی، هم از رونق شهر کاست و هم کسب و کار آن دسته از روستائیانی را که به تولید این محصولات مشغول بودند، مختل کرد.

در پی اشغال کشور توسط متفقین، برنامه‌های راه‌سازی و عمران شهرها دچار اختلال شده و در کل رشد اقتصادی کشور متوقف شد. با ورود متفقین، از یک طرف تولیدات کشاورزی امکان صدور نیافت، و از طرف دیگر تعدادی از نیروی کار آزاد شده که در تولید این محصولات نقش داشتند، راهی شهرها شدند.

سیاست‌های اقتصادی و سرمایه‌داری در سطح جهانی اقتضا می‌کرد که کشورهای جهان سومی مانند ایران، از یک طرف در تقسیم بین‌المللی کار تأمین‌کننده‌ی مواد خام و مورد نیاز صنایع آن‌ها باشند، و از طرف دیگر محتاج بازار مصرفی.

با تکیه بر صادرات نفت و تأمین مالی زیاد به دنبال افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، زمینه برای ادامه‌ی برنامه‌های عمرانی کشور بعد از کودتا فراهم شد. برنامه‌های عمرانی در دوره‌ی پس از کودتا با برنامه‌ی هفت ساله‌ی دوم آغاز شد.

در پی انجام برنامه‌ی دوم عمرانی کشور، در شهرها اقدامات عمرانی بیشتری مانند گسترش سیستم‌های تلفن و تلگراف، لوله‌کشی آب، تأمین برق، افزایش ادارات و امور خدماتی صورت گرفت.

به دنبال وقفه‌ای که در روند مدرنیزاسیون و ورود صنعت و جذب سرمایه‌های خصوصی صورت گرفت، این سرمایه‌ها در امر مسکن و زمین‌خواری به کار انداخته شد. ریشه‌ی بورس‌بازی و معاملات مسکن و زمین که بسیاری از برنامه‌های شهرسازی را در دوره‌های بعد دچار اشکال کرد، از همین جا قوت گرفت.

- شهرنشینی سریع، از سال ۱۳۴۰ به بعد

در ادامه‌ی اقدامات استعمارگرانه‌ی کشورهای غربی، ایران با عنوان استقرار *الگوی جایگزینی واردات* در خط تولید جهانی سهیم شد. بنابراین صنایع مونتاژ و صنایعی که مواد اولیه را برای کشورهای صنعتی آماده می‌کردند، در ایران مستقر شدند.

اصلاحات ارضی نیز در برنامه‌ی عمرانی سوم (۴۶-۱۳۴۱) انجام شد. در کنار اصلاحات ارضی پدیده‌ی دیگری بنام *ماشینی شدن کشاورزی* در بعضی نقاط شکل گرفت.

به دنبال این تحولات، طرح صنعتی شدن ایران به اجرا درآمد. از یک طرف با ایجاد و استقرار صنایع جدید در نزدیک شهرها (آن هم شهرهای بزرگ) و از طرف دیگر با انجام ماتور اصلاحات ارضی، زمینه برای رشد سریع و همه جانبه‌ی شهرنشینی فراهم شد.

با استقرار صنایع در شهرها و نیاز به نیروی کار بسیار در این بخش و در بخش‌های عمرانی مانند راه‌سازی و امور ساختمان‌سازی و خدماتی در شهرها، که روستاییان را به سوی خود می‌کشاند و همچنین از هم پاشیدن رابطه‌ی شهر و روستا که نتیجه‌ی تحولات اقتصادی دوره‌ی پیش بود، پدیده‌ای بنام مهاجرت، هم به عنوان یک مشکل و هم به عنوان مسبب بسیاری از مشکلات (مانند حاشیه‌نشینی) به وجود آمد.

بعد از انقلاب نیز، بروز جنگ، مهاجرین بسیاری را از مناطق شهری و روستایی جنگ‌زده، روانه‌ی شهرهای سایر استان‌ها کرد. این امر علاوه بر تشدید شهرنشینی، به ناهماهنگی آن نیز دامن زد. چرا که سرازیر شدن بیش از ۲ میلیون مهاجر جنگی شهری و روستایی به شهرهای دیگر، به تراکم بیش از حد جمعیت شهرها منجر گشته و موجب بروز مشکلاتی، افزون بر مشکلات پیشین گردید.

اختلاف سطح درآمدها بین شهر و روستا و همچنین اختلاف فاحش سطح زندگی در این دو جامعه به همراه تمامی مشکلاتی که گریبان‌گیر روستاییان بود، به نظر آنان مهاجرت به شهر را بهتر از زندگی در روستا جلوه داده و همه‌ی آسایش، پیشرفت، دسترسی به امکانات و تسهیلات و خدمات، درآمد بهتر و بیشتر و ... را در شهر می‌یابند. بنابراین باز هم مهاجرت و به دنبال آن رشد بی‌رویه‌ی شهرها و شهرنشینی با روندی سریع‌تر از دوره‌ی قبل صورت گرفت.

تحلیل آماری شهرنشینی در چهار دوره‌ی سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵

- ابعاد و میزان شهرنشینی ایران در دهه‌های اخیر

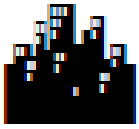

اولین سرشماری رسمی در ایران که بتواند آمار نسبتاً دقیق و جامعی را از جمعیت کشور و همچنین جمعیت شهرنشین ارائه بدهد، در سال ۱۳۳۵ صورت گرفت.

قبل از آن افراد یا سازمان‌هایی به طور پراکنده به تخمین یا انجام این امر پرداخته‌اند.

به عنوان مثال آمارگیری نفوس که از طریق حکام ولایات ایران در سال ۱۲۵۲ شمسی به دستور وزیر علوم گردآوری شد.

« میزان و روند رشد جمعیت شهری و شهرنشینی بین سال‌های ۶۵-۱۳۳۵ (جمعیت به هزار نفر) »

سال / جمعیت	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	نرخ رشد سالانه (درصد)		
					۳۵-۴۵	۴۵-۵۵	۵۵-۶۵
جمعیت شهری	۵۹۵۴	۹۷۹۴	۱۵۸۵۵	۲۶۸۴۵	۵,۱	۴,۹	۵,۲۶
جمعیت روستایی	۱۳۰۰۱	۱۵۹۹۴	۱۷۸۵۳	۲۲۶۰۰	۵,۱	۱,۱	۲,۳۶
نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت	۳۱,۴	۳۸	۴۷	۵۴,۲۹	۱,۹	۲,۱۲	۱,۴۴
نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت	۶۸,۴	۶۲	۵۳	۴۵,۷۱	۱	۱,۶	۱,۵
جمعیت کل کشور	۱۸۹۵۵	۲۵۷۸۸	۳۳۷۰۸	۴۹۴۴۵	۳,۱	۲,۷	۳,۹
نسبت جمعیت شهری به روستایی	٪۴۶	٪۶۱	٪۸۹	٪۱۱۹	۲,۹	۲,۸	۲,۹

- جمعیت شهری و روستایی

علاوه بر کاهش کمی جمعیت روستایی در مقابل افزایش جمعیت شهری، باید به پیامد کیفی این امر یعنی برهم‌خوردن شدید ترکیب کیفی و ساخت جمعیت روستایی و از دست دادن کارآیی روستاها نیز توجه کرد. در واقع بیشترین مهاجرت از روستاها به شهر در بهترین سنین امکان فعالیت بوده‌است.

البته باید به سهم مهاجرین جنگ تحمیلی، پناهندگان افغانی و رانده‌شدگان عراقی در بالابردن مقدار و درصد شهرنشینی و ختثی شدن تلاش‌های دولت بعد از انقلاب در کاهش مهاجرت‌های داخلی اشاره کرد. مهمترین عامل در کاهش اقدامات دولت به منظور ایجاد امکانات و خدمات کافی در داخل روستاها، درگیر شدن در جنگ تحمیلی بود. اما در کل باید گفت که رشد سریع جمعیت شهری در داخل کشور نیز کم نبوده است.

افزایش جمعیت شهری ناشی از ۳ عامل است :

۱. رشد طبیعی جمعیت (یعنی اختلاف بین مقدار زاد و ولد و مرگ و میر)
۲. مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری
۳. تبدیل نقاط روستایی به شهر

در کشورهای درحال توسعه مانند ایران، بیشترین نقش را رشد طبیعی جمعیت ایفا می‌کند. البته نباید تأثیر این ۳ عامل بر یکدیگر را نادیده گرفت. به عنوان مثال با هجوم مهاجرین به شهرها (عامل ۲) و استقرار اغلب آن‌ها در اطراف شهر که منجر به توسعه‌ی سریع محدوده‌ی فیزیکی شهرها شده، روستاهای زیادی نیز به محدوده‌ی شهر پیوسته (عامل ۳) و جزء جمعیت شهری بحساب می‌آیند.

- روند، ابعاد و میزان شهرنشینی در سطح استان‌های کشور

در سال ۱۳۳۵ از حدود ۱۹،۰۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت کل کشور نزدیک به ۶،۰۰۰،۰۰۰ نفر آن در مناطق شهری استان‌های ایران پراکنده بوداند. (۳۱،۴ درصد کل جمعیت کشور)

در این دوره، استان مرکزی دارای بیشترین جمعیت شهرنشین بوده است. (۶۶،۸ درصد جمعیت این استان شهرنشین بوده‌اند). بعد از آن، بالاترین درصدهای شهرنشین را استان‌های اصفهان (۳۸،۶٪) و خوزستان (۳۶،۶٪) داشته‌اند.

کمترین درصدهای شهرنشین در این سال را می‌توان در استان‌های سیستان و بلوچستان (۸،۷٪)، کردستان (۱۱،۲٪)، کرمان (۱۷٪) و گیلان (۱۹،۷٪) مشاهده کرد.

علت پایین بودن درجه‌ی شهرنشینی در استان‌های مزبور را می‌توان روستایی بودن این مناطق و گرایش مردم به کشاورزی و به عبارتی غلبه‌ی اقتصاد روستایی و همچنین محرومیت این مناطق ذکر کرد.

در سال ۱۳۴۵ نیز جمعیت کل و جمعیت شهرنشین استان مرکزی با افزایش روبه‌رو بوده است. ۷۰،۴ درصد جمعیت این استان شهرنشین بوده است.

در استان‌های کرمانشاه، کرمان و خوزستان علی‌رغم کاهش جمعیت کل، درصد جمعیت شهرنشین آن‌ها نسبت به دوره‌ی قبل افزایش چشمگیری داشته است. استان‌های مازندران، آذربایجان شرقی و غربی و گیلان نیز دارای رشد کمی بوده‌اند.

علت اصلی پایین بودن درصد رشد جمعیت شهری این استان‌ها را می‌توان در نزدیک بودن آن‌ها به پایتخت و مهاجرت مستقیم جمعیت به این شهر دانست. همچنین ناچیز بودن امکانات فعالیت در شهرهای استان‌های مذکور، مانع جذب جمعیت روستایی به این شهرها گردید.

در سال ۱۳۵۵ باز هم جمعیت کل و شهرنشین استان مرکزی افزایش یافت، چنان‌که درصد جمعیت شهرنشین آن به ۸۷،۲ درصد رسید.

در سال ۱۳۶۵ علی‌رغم رشد سریع جمعیت شهری در بین استان‌های کشور، در بعضی موارد نکات قابل توجهی به چشم می‌خورد :

کاهش جمعیت شهرنشین در استان مرکزی ⟵ به دلیل تفکیک تهران از این استان

کاهش جمعیت استان خوزستان ⟵ به دلیل جنگ تحمیلی

- تغییرات عددی شهرهای استان‌های کشور

تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵، به ۲۷۲ شهر در سال ۱۳۴۵، ۳۷۳ شهر در سال ۱۳۵۵ و ۴۹۶ شهر در سال ۱۳۶۵ رسید.

از اختلاف عددی شهرهای استان‌ها که بگذریم، در توزیع طبقاتی این شهرها نیز نا موزونی وجود دارد.

به عنوان مثال، استان تهران با ۲۰ شهر، جمعیتی ۶ برابر جمعیت شهری استان مازندران را داشته، که در سال ۱۳۶۵ دارای ۴۶ شهر بوده است.

روند شهرنشینی نمی‌تواند جدای از مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... بررسی شود. همواره روند شهرنشینی تابع تحولاتی است که در هر کشور اتفاق می‌افتد.

در ایران روند شهرنشینی، از مسیر اصلی و سنتی خویش جدا شده است. این امر حاصل نبود برنامه‌ریزی درست و اشتباهات گذشته بوده، به نحوی که از قرار گرفتن آن در مسیر صحیح جلوگیری کرده است.

نگاهی بر تحولات اقتصادی در دهه‌های اخیر

- اقتصاد ایران تا سال ۱۳۲۰

بعد از زمان صفویه، مشاهده می‌شود که کشور دچار اقتصادی نابسامان و وابسته شده بود. در زمان صفویه به دلیل اقدامات بسیار زیاد در جهت عمران و آبادی کشور مانند تأمین امنیت، توسعه و گسترش راه‌ها و توجه به تولیدات داخلی و صنایع کشور، اقتصاد ایران اوج شکوفایی خود را می‌گذراند. این اوضاع روزبه‌روز وخیم‌تر شد و در زمان حکومت قاجاریه به نهایت خود رسید.

تقسیم جغرافیایی کشور توسط دول استعمارگر و اجرای سیاست‌های تعرفه‌ای برای کالاهای خارجی، گسترش نفوذ و قدرت کشورهای بزرگ و پیشرفت تکنولوژی آن‌ها و بی‌دفاع گذاشتن صنایع داخلی شدت یافت و سیاست‌های گمرکی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود، فرصت‌های پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی را از ایران گرفت.

در سال ۱۲۹۹ رضاخان با کودتایی بر سر کار آمد. در این زمان اصلاحات زیرساختی زیادی در کشور انجام گرفت : تأمین امنیت، توسعه‌ی ارتباطات، افزایش حجم تجارت خارجی هم از نظر ارزش و هم از نظر حجم و گسترش تدریجی نقش نفت در صادرات ایران.

به دنبال اعلام حرکت به سوی مدرن‌گرایی، فرهنگ غربی به جامعه‌ی ایرانی تحمیل شده و فرهنگ مصرفی رواج یافت. و در پس خواست‌های استعمارگرانه، بیشترین اعتبار به وزارت جنگ و امور نظامی و کمترین توجه به بخش‌های کشاورزی و صنایع شد. این در حالی است که شاغلین بخش کشاورزی ۸۰ تا ۸۵ درصد جمعیت کشور را در دهه‌ی ۱۳۱۰ تشکیل می‌دادند.

در زمان رضاخان، تمرکز دستگاه‌های اداری و نظامی در تهران به وجود آمد. همچنین تمرکز سرمایه‌گذاری‌های دولتی در بخش صنایع صورت گرفت.

اقدامات مذکور که منجر به زیر فشار قرارگرفتن روستاییان و تبعیض بین دو قشر شهری و روستایی می‌شد، به مهاجرت‌های بسیاری در این زمان دامن زد.

در سال ۱۳۲۰، و بعد از جنگ جهانی دوم و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، اهمیت نفت در صحنه‌ی اقتصادی بیشتر شد.

در سال ۱۳۲۵ موضوع برنامه‌ریزی منظم در سیستم اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفت و کارشناسانی نیز به ایران دعوت شدند تا زمام امور اقتصادی ایران را به دست بگیرند.

- اقتصاد ایران و برنامه‌های عمرانی

برنامه‌ی عمرانی اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴)

بهترین فصول این برنامه بنابر اهمیت اعتبارات، عبارت بودند از :

اصلاحات اجتماعی و شهری	کشاورزی	راه‌های شوسه و راه‌آهن
صنایع و معادن	نفت	پست و تلگراف و تلفن

فصل امور اجتماعی که مهمترین بخش را تشکیل می‌داد، از زیر فصل‌هایی مانند ساخت خانه‌های ارزان، بهداشت عمومی، اشتغال، لوله‌کشی آب شهرها و تولید برق تشکیل شده بود.

اجزاء فصل کشاورزی شامل موارد: آب‌یاری و سدسازی، دفع آفات نباتی و امراض حیوانی، جنگل و مراتع و توسعه‌ی محصولات و اصلاحات کشاورزی بود.

توجه زیاد به کشاورزی در این برنامه، به دلیل نقش ایران در تقسیم بین‌المللی کار و تهیه‌ی مواد خام کشاورزی و معدنی بود، که پس از مدتی برای همیشه کشاورزی نقش اول خود را در صادرات کشور به نفت داد. صنایع در نظر گرفته‌شده در این برنامه، اغلب صنایع مصرفی بودند.

این برنامه به علت تهیه‌ی آن به کمک و زیر نظر کارشناسان امریکایی و ماهیت استعماری آن قادر به حل مشکلات توسعه‌نیافتگی نبود. توجهی هم که به بخش‌های راه‌سازی و گسترش خطوط ارتباطی شد، به دلیل گسترش بازار مصرف و خارج شدن شبکه‌ی شهری ایران از حالت قبلی خود بود.

با آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت و تحریم نفتی ایران از طرف امریکا و خودداری سازمان‌های طرف وام از دادن وام، این برنامه تنها به مدت ۲ سال اجرا شد.

برنامه‌ی عمرانی دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱)

قسمت‌های مهم آن به ترتیب به قرار زیر بود :

ارتباطات و مخابرات - راه‌سازی، راه‌آهن، بنادر و فرودگاه‌ها

کشاورزی (سدسازی و آب‌یاری، مطالعات سدسازی و آب‌یاری، ماشین‌های کشاورزی، عمران دهات و اراضی)

+ بیشترین سهم هزینه‌ها در این برنامه مربوط به ارتباطات بود و کمترین هزینه مربوط به جنگ.

+ در این برنامه سیاست درهای باز اقتصادی پیاده شد و سیستم بانکی گسترش وسیعی یافت.

برنامه‌ی عمرانی سوم (۱۳۴۲-۱۳۴۶)

فصول مختلف آن به ترتیب اهمیت عبارت بودند از :

ارتباطات و مخابرات - کشاورزی و آب‌یاری - نیرو و سوخت - فرهنگ و صنایع و معادن

علت توجه زیاد در تخصیص اعتبار به کشاورزی، به خاطر اعتبار زیادی بود که برای اجرای اصلاحات ارضی در این فصل منظور شده بود.

اصلاحات ارضی در طول این برنامه که موجب مهاجرت هزاران روستایی به شهرها و تشدید رشد بخش خصوصی شد، از یک سو نیروی کار ارزان برای فعالیت‌های اقتصادی در شهرها (صنعت، ساختمان و خدمات) فراهم ساخت و از سوی دیگر بازار تولید و مصرف روستا را نیز زیر سلطه‌ی سرمایه‌داری رو به رشد قرار داد.

+ الگوی توسعه‌ی مورد توجه برنامه‌ی سوم، با توجه به اهمیت هزینه‌ها، اولویت دادن به ارتباطات و مخابرات بود.

در سال‌های نخست این برنامه، به دلیل عدم علاقه‌ی بخش خصوصی به فعالیت در بخش صنعت، اغلب فعالیت‌های صنعتی در تهران و اطراف آن متمرکز شد. علی‌رغم تصویب طرح‌های متعدد عمران شهری، به دلایلی چون آماده نبودن نقشه‌های جامع شهری و فقدان مطالعات مربوط به توسعه‌ی شهرها در آینده، فعالیت‌های شهرسازی در قالبی منطقی و متکی بر مطالعات جامع انجام نشد.

برنامه‌ی عمرانی چهارم (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱)

هدف رسمی برنامه‌ی چهارم، عبارت بود از :

تسریع رشد اقتصادی و تکثیر درآمد ملی از راه افزایش قدرت تولید با اتکای بیشتر به توسعه‌ی صنعتی و بالابردن بازده‌ی سرمایه و استفاده از ارزش‌های مترقی در کلیه‌ی فعالیت‌ها، توزیع عادلانه‌تر درآمد، کاهش نیازمندی‌ها به خارج و تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی کشور.

اعتبارات فصل کشاورزی به شدت کاهش یافت و در مقابل فصول نفت و گاز، مخابرات، ساختمان و مسکن افزایش قابل توجهی پیدا کرد.

در این برنامه، خلاصه‌ی اهداف برنامه‌ی عمران شهری شامل موارد زیر بود :

اصلاح اداره‌ی امور شهرداری‌ها - کمک به اجرای طرح‌های عمران شهری و تهیه‌ی طرح‌های جامع شهری برای ۴۶ شهر دیگر و تکمیل طرح‌های جامع شهری مربوط به برنامه‌ی سوم

تنگ‌ناها و مشکلات این برنامه، در مورد مسائل شهری :

وجود اختلاف فاحش بین درآمد روستاییان و شهرنشینان ⟵ مهاجرت روستاییان به شهرها

برنامه‌ی عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶)

در سال ۱۳۵۱ قیمت نفت به بیش از ۴ برابر افزایش یافت. این افزایش باعث شد تا امکانات مالی بیشتری برای برنامه‌ی عمرانی پنجم تأمین شود. این مسئله موجب تجدید نظر در بودجه‌ی این برنامه شد.

این برنامه، همانند برنامه‌ی چهارم بر صنعتی شدن تأکید داشته و در آن بودجه‌های کلانی نیز به شبکه‌ی زیربنایی اقتصاد کشور و پس از آن به بخش ساختمان و مسکن اختصاص داده شده بود.

در این برنامه امپریالیسم و اقتصاد جهانی، سرمایه‌داری ایران را در یک سیستم وابستگی دوگانه قرار داده‌بودند. از یک سو به بر طرف کردن نیازهای روز افزون خود به نفت با استفاده از افزایش صادرات نفت خام ایران می‌پرداختند و از طرف دیگر نیز با فروش کالاهای مصرفی به ایران همان پول‌ها را به صندوق‌شان برمی‌گرداندند.

در این برنامه، در پی بالا رفتن سود حاصل از ساختمان‌سازی، فعالیت‌های بساز و بفروش‌ها بالا گرفته و بورس‌بازی زمین و عنوان شدن زمین و خانه به عنوان کالا، زمینه‌ی پیدایش مشکلاتی را در سیستم شهرسازی فراهم آورد. علاوه بر آن مهاجرت شدیدی به سوی شهرها صورت گرفت.

به دنبال کاهش تولیدات بخش کشاورزی، افزایش درآمدهای حاصل از اشتغال ایجاد شده در بخش‌های ساختمان‌سازی شهرها و شیوع سوداگری زمین و امثال آن، تقاضا برای مواد غذایی و سایر مواد مصرفی و تجملی افزایش یافته و با افزایش سرسام‌آور واردات، الگوی مصرف بر بافت اقتصادی و فرهنگی جامعه تحمیل شد.

برنامه‌ی عمرانی اول پس از انقلاب (۱۳۶۲-۱۳۶۶)

در این برنامه مواد و عناوین قابل توجهی در مورد اهداف آن ذکر شده‌بود که از جمله‌ی آن‌ها توجه به شهرها به منظور کنترل رشد بی‌رویه‌ی آن‌ها و جلوگیری از تمرکزگرایی در تهران و شهرهای بزرگ و همچنین برنامه‌های تهیه و تأمین مسکن را می‌توان نام برد. این اهداف بنا به دلایلی چون جنگ و بودجه‌ی بسیار زیادی که صرف آن شد، نتوانست به موفقیت کامل برسد.

- تحول بخش‌های سه‌گانه‌ی اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات)

طی روندی که اقتصاد کشور در طی برنامه‌های عمرانی داشت، مقدار و نسبت جمعیت شاغل در بخش‌های سه‌گانه‌ی اقتصاد، کاهشی به ضرر بخش کشاورزی و افزایشی به نفع بخش خدمات داشت، و صنعت وابسته و غیر مستقل نیز نقشی بین این دو را دارا بود. دلایل این امر را می‌توان، افزایش صادرات و بالا رفتن درآمد نفت و وارد کردن صنایع وابسته و مونتاژ دانست. اما چون خارج شدن از نظام اقتصادی متکی بر کشاورزی، اصولی و با برنامه صورت نگرفت و صنایع پایه و مادر در کشور مستقر نشد، نهایتاً بخش خدمات بیشترین سهم شاغلین را به خود اختصاص داد.

بخش کشاورزی پس از برنامه‌ی دوم و اجرای اصلاحات ارضی (در سال ۱۳۴۱) هم جمعیت شاغل و هم نقش خود را در تأمین هزینه‌ی برنامه‌های عمرانی از دست داد.

شکست کشاورزی ایران را می‌توان ناشی از ۳ عامل زیر دانست :

۱. مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر ۲. نا موزونی در بخش کشاورزی ۳. اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی و اثرات آن بر رشد شهرنشینی

اصلاحات ارضی در ایران به عنوان یک عامل مهم در تشدید مهاجرت‌های روستاییان به شهرها نقش بازی کرد. در حقیقت پس از اصلاحات ارضی و بروز نتایج مخرب آن است که مهاجرین روستایی به سوی شهرها سرازیر شده و شهرنشینی رشد سریع به خود گرفت.

مایکل تودارو، از *اصلاحات ارضی* به عنوان یکی از سه شرط توسعه‌ی روستایی نام می‌برد و ضمن بیان شرایط لازم برای اجرای کامل و موفق آن، دو شرط دیگر یعنی، سیاست‌های حمایتی و هدف‌های توسعه‌ی هماهنگ را نیز یادآوری می‌کند.

اما در کشورهای جهان سومی مانند ایران، هیچ‌یک از اهداف یک برنامه‌ی اصلاحات ارضی، به جز در مواردی استثنایی برآورده نشد.

- اهداف اصلاحات ارضی

افزایش درآمد نفت و توجه به صنعت و استقرار کارخانجات مونتاژ، نیاز به نیروی انسانی را افزایش داده و از طرف دیگر، برای جلوگیری از ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی، می‌بایست اقداماتی صورت می‌گرفت. بدین ترتیب اصلاحات ارضی از طرف سیاست‌گذاران امریکایی پیشنهاد و در ایران پیاده شد.

اهداف *ظاهری* اصلاحات ارضی در ایران :

- بالابردن سطح تولید کشاورزی
- افزایش قدرت خرید دهقانان
- افزایش درآمد ملی
- تأمین عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه‌ی درآمد
- نابودی بزرگ مالکی به عنوان طبقه‌ی پرنفوذ و حاکم بر دیگر طبقات اجتماعی و مانع پیشرفت اقتصادی

ولی در *باطن* اهداف اصلی این اصلاحات آزاد کردن نیروی کار از روستا و گسترش بازار مصرفی روستایی بود.

آزاد کردن نیروی انسانی کار از روستا به سه طریق صورت گرفت :

۱. فروش زمین به صاحبان نسق
۲. ملی کردن مراتع و جنگل‌ها
۳. وابسته کردن دهقانان به اقتصاد پولی

عوامل فوق باعث از هم پاشیدگی بافت سنتی کشاورزی شد و عدم جایگزینی روش و الگویی مناسب به جای آن، باعث پدیدار شدن مشکلات بعدی گردید.

- اثرات و نتایج اصلاحات ارضی

۱. اصلاحات ارضی توانست به طور نسبی قدرت تولید در روی زمین را از طبقه‌ی فئودال‌های با نفوذ به خرده‌مالکان و بهره‌برداران خانوادگی انتقال دهد. اما در حقیقت قدرت نظامی از بزرگ‌مالکان و رؤسای محلی به دولت انتقال یافت. از طرف دیگر طبقه‌ی زحمتکش کشاورز که سال‌ها به شیوه‌های سنتی تحت استعمار و بهره‌کشی قرار گرفته بود، رهایی یافت ولی به دلیل عدم حمایت دولت، قادر به حفظ قدرت تولید در روستا نشد.

۲. با گسترش شهرها و رشد صنایع مونتاژ در آن‌ها، نیاز به نیروی کار در بخش صنعت بیشتر شد. این نیروها با اجرای اصلاحات ارضی آزاد و جذب شهرها شدند.

۳. به دنبال نفی روابط ارباب - رعیتی، سرمایه‌ی بزرگ‌مالکان از ده به شهر منتقل شد. این سرمایه‌ها اغلب در صنایع شهری و کارخانه‌ای و یا در جهت زمین‌خواری و بورس‌بازی زمین به کار انداخته شد. بنابراین اصلاحات ارضی در بروز مشکلاتی مانند کمبود مسکن و زمین و عدم موفقیت اقدامات شهرسازی مؤثر بود.

۴. اصلاحات ارضی بزرگ‌مالکی را به خرده‌مالکی تبدیل کرد. اما این قطعات کوچک زمین به اندازه‌ای نبود که مالک آن قادر باشد ضمن تأمین و تغذیه‌ی خانواده‌ی خود، دارای تولید اضافی برای فروش در شهرها باشد. بنابراین پس از مدت کوتاهی، این گروه نیز زمین خود را در اختیار سوداگران روستایی و یا شرکت‌های سهامی زراعی گذاشته و به سیل مهاجرین شهرها پیوستند.

۵. مالکین، سرمایه‌های اولیه برای زراعت و تولید را فراهم می‌کردند. با انتقال آنان به شهرها، دهقانان این پشتوانه را از دست دادند.(مثلاً تأمین آب و حفر چاه و ... به عهده‌ی مالکین بزرگ بود) و چون زمین‌های کوچک آن‌ها کفاف مخارج آن‌ها را نمی‌داد، اقدام به مهاجرت به شهر کردند.

۶. از نتایج دیگر این اصلاحات ماشینی شدن کشاورزی و گسترش شیوه‌ی تولید کشاورزی بود. این امر نتیجه‌ای جز وابستگی به سرمایه‌های خارجی مرتبط به شرکت‌های کشت و صنعت خارجی نداشت. شرکت‌های مزبور از روش‌های تولید مدرن استفاده کرده و با کاربرد وسیع ماشین‌آلات، بیکاری وسیع به وجود آوردند.

۷. راه یافتن روستاها به بازار پول و گسترش روابط پولی و پیدایش سوداگری. بدین ترتیب پول معیاری شد برای سنجش دستمزدهای شهری و درآمد روستایی

۸. از هم پاشیدن رابطه‌ی شهر و روستا ⟵ مهاجرت روستاییان به شهرها ⟵ افزایش حاشیه‌نشینی

هم‌زمان و یا پس از اجرای اصلاحات ارضی، عوامل چندی در تغییر چهره‌ی شهرهای کشور و رشد سریع و گسترش بی‌رویه‌ی آن‌ها نقش بسزایی داشتند. مهمترین این عوامل عبارتند از :

مهاجرت روستاییان به شهرها - حاشیه‌نشینی

تمرکزگرایی در تهران و شهرهای بزرگ - از هم گسیختگی شبکه‌ی شهری

مهاجرت روستاییان به شهرها

جمعیتی که از مناطق روستایی به مناطق شهری سرازیر می‌شود، در حقیقت به ایجاد گسیختگی در هر دو نقطه‌ی جذب و دفع نیروی مهاجر منجر می‌شود. علت این است که مهاجرت تنها جابجایی محل اقامت یک فرد و یا ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در یک جای دیگر بدون قصد بازگشت نیست.

مایکل تودارو در مورد مهاجرت می‌گوید :

امروزه مهاجرت باید به عنوان عامل اصلی تقویت‌کننده‌ی پدیده‌ی کارِ افتاده‌ی (مازاد) شهری *(Urban Surplus Labor)* بررسی شود. باید به عنوان نیرویی بررسی شود که موجب تشدید مسائل جدی بیکاری شهری است، که خود ناشی از وجود عدم تعادل‌های اقتصادی و ساختی بین مناطق شهری و روستایی است.

مهاجرت در کشورهای جهان سوم بیشتر در دو شکل روستا به شهر و شهر (کوچک) به شهر است. در مورد دوم می‌توان گفت این افراد مهاجر، اکثراً همان مهاجرین روستایی هستند که به صورت پله‌ای، ابتدا از روستا به شهر کوچک مهاجرت کرده، سپس راهی شهر بزرگ‌تر می‌شوند.

در توجیه چنین روندی می‌توان به عوامل جاذبه و دافعه یا *رانش و کشش* اشاره کرد.

اهمیت بررسی مهاجرت روستاییان به شهرها به دو دلیل زیر است :

- یکی از عوامل سه‌گانه‌ی نابودی و زوال کشاورزی
- دومین عامل مؤثر در افزایش جمعیت شهری

آماری جالب! از میزان مهاجرت در سال ۱۳۵۲ :

در این سال رقم کل مهاجرت‌های داخلی ایران برابر با ۲۸۴۰۰۰ نفر بوده که تهران نیمی از آن را به خود اختصاص داده است.

هجوم سرسام‌آور مهاجرین استان‌های مختلف به تهران و شهرهای اطراف آن، نشان از نابسامانی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور داشته، که منجر به تمرکز جمعیت زیادی از مناطق کشور در تهران به همراه تمرکز سایر فعالیت‌ها، امکانات و خدمات در این شهر بوده است.

- مراحل و روند مهاجرت

مهاجرت بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۲

مهاجرت در این دوره رشد و روندی کند داشته و تنها به چند شهر بزرگ کشور مانند تهران، تبریز، اصفهان یا مشهد محدود می‌شد. در این دوره شهرها توانایی جذب مهاجرین را نداشته و مشکلات اقتصادی و اجتماعی آن‌ها نیز این امکان را محدود می‌کرد. در این شهرها اغلب قسمت‌های ساختمان و خدمات، جاذب مهاجرین بود.

ویژگی‌های مهاجرت در این دوره :

الف) شدت مهاجرت بین روستاها، بیشتر از مهاجرت از روستا به شهر بود

ب) مهاجرت فصلی و غیر دائمی بود

ج) مهاجرین بیشتر از قشر خوش‌نشین‌ها بودند که به زمین وابستگی نداشتند

مهاجرت بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷

در اوایل این دوره، ساخت اراضی در روستا با انجام اصلاحات ارضی تغییر کرده و مشکلات و عواقب ناشی از آن، رشد سریع مهاجرت به شهرها را باعث شد. علاوه بر آن، در نقطه‌ی مقابل یعنی در شهر نیز زمینه برای جذب مهاجرین فراهم آمد. مهاجرت در این دوره، بیشتر بر اثر عوامل طبیعی و در جستجوی کار بهتر و درآمد بیشتر به شهر مطرح بود.

در همین دوران، افزایش درآمد نفت موجب ورود محصولات کشاورزی ارزان قیمت شد. همچنین ورود سرمایه‌ی انبوه به بازار شهری ایران و به کارافتادن در امور تجاری، خدماتی و ساختمانی، و بالا رفتن سطح درآمد شهرها، جاذبه‌های فراوانی را برای جذب مهاجرین مهیا کرد. به تدریج مهاجرت شکل دائمی به خود گرفته و مهاجرت تبعی نیز افزایش یافت.

مهاجرت تبعی عبارت است از : همراهی اعضای خانواده در رفتن به شهر.

آماری جالب! از نتایج مهاجرت :

در سال ۱۳۵۲، ۴۳.۲٪ کل جمعیت تهران را مهاجرین تشکیل می‌دادند.

مهاجرت از سال ۱۳۵۷ به بعد

روند شتاب‌زده‌ی مهاجرت، در سال‌های پس از انقلاب نیز ادامه یافت. عوامل چندی در واقع تشدیدکننده‌ی آن بودند. در دو سه سال اول پیروزی انقلاب اسلامی، مزیت‌های بی‌حد و حصری که در جامعه‌ی شهری از قبیل مسکن، آب، برق و ... برای افراد کم درآمد و محروم در نظر گرفته‌شد، بسیاری از روستاییان را به سوی شهر جذب کرد.

جنگ هم، عاملی بود که به مهاجرت‌های زیادی از استان‌های غربی کشور منجر شد.

- علل مهاجرت

به عقیده‌ی آقای شکوئی در کتاب "جغرافیای اجتماعی شهرها"
سه عامل بیش از همه، در جریان‌های مهاجرت مؤثرند :
اشتغال - درآمد - رشد سریع جمعیت

البته عامل دیگر، سطح فعالیت‌های اقتصادی است. بنابراین فرض، از یک سو عدم تعادل در سطح درآمد و توسعه‌ی اقتصادی استان‌های مختلف کشور مورد توجه است و از سوی دیگر اختلاف زیاد بین چند استان معدود به عنوان متمرکز کننده‌ی اکثر سرمایه‌گزاری‌های سودآور در مقابل کاهش‌یافتن یا ثابت‌ماندن سطح درآمد در بقیه‌ی استان‌های کشور مورد تأکید است.

از دیگر عواملی که در نظریه‌های مهاجرتی بسیار به آن توجه شده عامل جاذبه و دافعه است. یک گروه عوامل با وجود داشتن و نمایاندن خود در یک منطقه باعث ترک ساکنین آن منطقه می‌شوند و یک سری دیگر از عوامل مهاجرین را به سوی خود می‌کشانند.

به طور خلاصه و کلی می‌توان گفت، که در نتیجه‌ی بهبود وضع زندگی، امکانات بهداشتی و کاهش مرگ و میر، جمعیت روستایی رو به افزایش گذاشته و بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در کشور روی می‌دهد، عوامل جاذبه و دافعه به عنوان نیروهای رانش از روستا و کشش به شهر، روستاها را از جمعیت خالی و آن‌ها را به عنوان مهاجر راهی شهرها می‌کنند.

- اثرات و نتایج مهاجرت

از یک طرف با ساکن‌شدن مهاجرین در شهر بر شمار ساکنین شهر افزوده شده و از طرف دیگر، میزان باروری بالای زنان روستایی در افزایش میزان رشد شهر تأثیر می‌گذارد. مهاجرین مرد مجرد نیز که اکثراً در سنین جوانی هستند به عنوان یک نیروی مولد نسل در این افزایش شرکت دارند.

در مرحله‌ی بعد مسئله‌ی مسکن و اشتغال پیش می‌آید. هنگامی‌که سطح پایین درآمد، کمبود مسکن و گرانی آن، اجازه‌ی ایجاد یک سرپناه مناسب را ندهد، به اجبار مهاجرین به حاشیه‌ی شهرها، زمین‌های خالی، مسیل‌ها و فضاهای بایر ناهنجار و ناهموار روی آورده و آن‌جا را برای سکونت برمی‌گزینند و به صورت حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی، کپرنشینی و ... سیمای شهر را زشت و بدقواره جلوه می‌دهند. نتیجه‌ی این امر رشد بی‌رویه و بی‌برنامه‌ی شهرها با شکلی غیر استاندارد، نامطلوب، کثیف و آلوده است.

حاشیه‌نشینی در ایران

حاشیه‌نشینی، پدیده‌ی دیگری است که در پی وجود یک اقتصاد ناسالم و بیمار و در کنار سایر عوامل بر مشکلات شهری افزوده است. این معضل، چهره و سیمای شهر را بدقیافه و زشت نشان می‌دهد. همچنین دوگانگی را در جامعه‌ی شهری تشدید کرده و شیب طبقاتی را دامن می‌زند.

- تعریف و روند حاشیه‌نشینی

به عقیده‌ی چارلز آبرامز کارشناس مسکن

خصوصیات و ویژگی‌های زاغه و مناطق حاشیه‌نشین :

ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه‌ی خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی وجود دارد.

به عقیده‌ی آقای شکوئی مراد از منطقه‌ی حاشیه‌نشین عبارت است از :

۱. منطقه‌ی واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه‌ی شهرها
۲. تسلط فرهنگ فقر در منطقه
۳. جدایی‌گزینی توده‌ی مردم روستایی از جامعه‌ی شهری
۴. شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح ساختمانی کم دوام
۵. گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری
۶. مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستا در حاشیه‌ی شهرها

آقای سعید عابدین درکوش در کتاب "درآمدی بر اقتصاد شهری" در تعریف شخص حاشیه‌نشین می‌گوید :

حاشیه‌نشین به مفهوم کلی، به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد، ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند.

طبق آمار وزارت آبادانی و مسکن در سال ۱۳۵۱ :

به طور متوسط در حدود ۳۳٪ جمعیت شهرهای بزرگ به صورت حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی زندگی می‌کنند.

بنابر گزارش سازمان ملل متحد، مسئله‌ی حاشیه‌نشینی در کشورهای جهان سوم به صورت حادتری دامنگیر این کشورها است. طبق گزارشی در سال ۱۹۸۱، از هر ۵ شهرنشین در کشورهای درحال توسعه، ۲ تن زاغه‌نشین بوده‌اند؛ یعنی ۴۰٪ جامعه‌ی شهری.

- ویژگی‌ها، خصوصیات و شرایط زیست حاشیه‌نشینان

به عقیده‌ی آقای شکوئی در مطالعات شهری می‌توان ویژگی‌های همه‌ی زاغه‌ها و بخش حاشیه‌نشینان را به شرح زیر بیان کرد :

۱. واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص
۲. تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتارهای اجتماعی مردم
۳. فقر اقتصادی مردم
۴. گوشه‌گیری مردم از همه‌ی جریانات شهری
۵. ایجاد مرزهای پردوام در اطراف محله و جدایی‌گزینی مردم از سایر طبقات شهری
۶. عدم توجه و بی‌اعتنایی سازمان‌های مسئول به احتیاجات محله

پراکندگی جغرافیایی و مکان‌های حاشیه‌نشین

این مکان‌ها در بدترین نقاط شهری، کثیف‌ترین و متراکم‌ترین نقاط مستقر شده و مورد سکونت مهاجرین قرار گرفته‌اند.

این مناطق دارای وضعیت نامطلوب و کیفیت پایین محیط زندگی از نظر تأسیسات و تجهیزات بهداشتی و خدماتی هستند. گاهی نیز این مناطق فاقد آب آشامیدنی یا در فاصله‌ی نسبتاً زیادی از شیرهای آب قرار دارند.

چگونگی مسکن حاشیه‌نشینان

اگر مسکن را حتی در حداقل سرپناه با کمترین تأسیسات و تجهیزات ممکن تصور کنیم، بسیاری از حاشیه‌نشینان فاقد آن هستند.

مساکن حاشیه‌نشین‌ها از نظر شکل و بافت و به طور کلی فرم معماری دارای شکلی خود ساخته و متأثر از فرهنگ و سنت همان روستاها و مناطقی است که حاشیه‌نشین‌ها از آن‌جا آمده‌اند. منتهی گاه همین بافت مساکن براساس شرایط محیط زندگی آن‌ها تغییراتی را پذیرفته است.

حاشیه‌نشینان دارای منشأ فرهنگی روستایی هستند. همچنین دارای همبستگی و تجانس بسیار عمیقی در منافع مشترک مانند امور مسکن هستند.

ساختار جمعیتی و نحوه‌ی اشتغال و درآمد ساکنین مناطق حاشیه‌نشین

مناطق حاشیه‌نشین دارای بعد خانوار، تراکم و درصد رشد بالایی نسبت به سایر مناطق شهری بوده و افراد زیادی در فضایی محدود و در زیر یک سقف زندگی می‌کنند.

ترکیب جمعیتی این اجتماعات اکثراً از طبقه‌ی جوان تشکیل شده و اغلب تعداد مردان بیشتر از زنان است.

این افراد دارای شغل‌های کاذب هستند. و به دلیل این‌که قبل از مهاجرت، کشاورز بوده‌اند، کارگرهای غیرماهری هستند که به شغل‌های نیرو بر ساده اشتغال دارند و از ثبات شغلی بی‌بهره‌اند.

- علل حاشیه‌نشینی

به عقیده‌ی آقای حسین‌زاده دلیر در تحقیقی پیرامون حاشیه‌نشینان شهر تبریز :

علل مهاجرت از روستاها {حاشیه‌نشینی در شهر با منشأ دافعه‌ی روستایی}

۱. وجود مشکلات معیشت در روستاها و نداشتن زمین و آب و درآمد کافی
۲. دسترسی نداشتن به پزشک، دارو و خدمات درمانی
۳. عدم وجود مراکز دینی و فرهنگی مانند مدرسه و مراکز فنی (مهاجرت افراد به منظور تحصیل)
۴. ضایعات طبیعی و خشک‌سالی‌ها
۵. عدم وجود امنیت کافی در بعضی از روستاها

به عقیده‌ی آقای شکوئی در بررسی حاشیه‌نشینان شهر تبریز :

علل حاشیه‌نشینی {حاشیه‌نشینی در شهر با منشأ جاذبه‌ی شهری}

۱. زمانی که شهر امکاناتی جهت توسعه و جمعیت‌پذیری بدست بیاورد، زمینه‌ی مساعدی در تشکیل منطقه‌ی حاشیه‌نشین فراهم می‌شود.
۲. شهر به هنگام توسعه‌ی فیزیکی و اقتصادی خود امکاناتی برای جذب پاره‌ای از مشاغل فراهم می‌کند. مانند کوره‌های آجرپزی و مشاغل ساختمانی
۳. منطقه‌ی حاشیه‌نشین معمولاً در بخش‌هایی تشکیل شده، که شهر در زمان تشکیل آن‌ها نیاز چندانی به این زمین‌ها و مناطق نداشته‌است. (لذا زمین‌های این مناطق ارزان بوده و مورد تصرف مهاجرین قرار گرفته)
۴. اصلاحات ارضی که باعث دگرگونی در زندگی روستاییان شده و زمینه‌ی مهاجرت را فراهم کرده‌است.

- نتایج و اثرات حاشیه‌نشینی

- ایجاد چهره‌های نامطلوب در حاشیه‌ی شهر، فضاهای باز و قابل استفاده را برای توسعه‌ی اصولی و مطلوب شهر مختل می‌نماید.

- استفاده از آلونک‌ها، کپرها، زاغه‌ها و ... و وجود افراد زیاد و تراکم بسیار در فضای محدود، و در کنار مناطق شهرنشین اطراف خود، باعث کاهش قیمت زمین در این مناطق شهری می‌شود و ساکنین شهر را آزار می‌دهد. (هم از نظر سیمای بد شهری و کاهش قیمت زمین این شهروندان و هم از نظر نابسامانی‌های اجتماعی و بروز جرم و بزهکاری و ایجاد نا امنی در این مناطق)

- شیب اجتماعی شهرها، بواسطه‌ی تشکیل این طبقات حاشیه‌نشین تشدید می‌شود.

- همچنین ایجاد بازارهای بزرگ مصرف، تحمیل ترافیک سنگین به بافت شهر، تراکم و ازدحام بالای جمعیت در سطح شهر، رواج دست‌فروشی و دوره‌گردی و اغذیه فروشی‌های غیر بهداشتی و ایجاد نا امنی برای ساکنین شهر

تمرکزگرایی و بهم خوردن شبکه‌ی شهری در ایران

در دنیای سرمایه‌داری، از یک سو نیاز به انبوه مصرف‌کنندگانی بود که می‌بایست مصرف‌کننده‌ی تولیدات وسیع و بسیار صنعت باشند. و از سوی دیگر نیز تقسیم کار به وجود آمد و تعدد کارخانجات و قسمت‌های تولید، نیاز به تجمع آن‌ها در یک مکان و در کنار آن تمرکز سرمایه‌ها را به وجود آورد. به دنبال آن شهرگرایی و شهرنشینی روندی شتاب‌آمیز به خود گرفت و به تدریج تمرکزگرایی نیز بروز کرد.

در دنیای سرمایه‌داری، شهر در پی نیاز صنعت به تجمع افراد، چه برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز و چه برای تأمین بازار مصرف تولیدات، شکل گرفته بود. اما شهرهای کشورهای توسعه‌نیافته در شرایطی تحول و گسترش یافتند که رشد واقعی صنعتی در آن‌ها رخ نداده بود.

علل تمرکز در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران ناشی از کمبود زیرساخت‌ها، تمرکز سرمایه و امکانات و به طور کلی عوامل متعدد اقتصادی و اجتماعی حاصل از رشد سرمایه‌داری پیرامونی است.

می‌توان این عوامل را ناشی از دو مسئله دانست :

۱. میل به تمرکز ذاتی سرمایه‌داری در جهت تمرکز فرآیند تولید (عامل خارجی)
۲. ناتوانی زیرساختی کشورهای ماقبل صنعتی یا جهان سوم در جذب غیر متمرکز الگوی مصرف سرمایه‌داری (عامل داخلی)

به هم خوردن شبکه‌ی شهری در ایران به دنبال تغییر نظام اقتصادی و الگوی معیشتی قبلی و بدون جایگزینی روش‌ها و معیارهای مناسب اتفاق افتاده است. روابط مبادله‌ای نابرابر، رواج نقدینگی، رسوخ الگوی مصرف و وابسته شدن به تولیدات صنایع کارخانه‌ای و تمرکز آن‌چه می‌بایست در سطحی متعادل توزیع شود، از دیگر پیامدهای گسیختگی شبکه‌ی شهری است.

- روند و چگونگی به هم خوردن شبکه‌ی شهری در ایران

به دنبال رشد بخش خدمات در دهه‌های اخیر، به ویژه گرایش به تمرکز در مرکز کشور و شهرهای بزرگ کشور، شبکه‌ی شهری ایران عملکرد سلسله‌مراتبی خود را از دست داده و شمار کانون‌های زیستی، توزیع فضایی و حجم جمعیتی آن‌ها از نظام عملکردی سلسله‌مراتبی خارج شد. در نتیجه اقدامات و تصمیم‌گیری‌های اجرایی به زیان سطوح میانی و پایین شبکه‌ی شهری و به سود تهران و سایر شهرهای بزرگ منجر شد.

در سال ۱۳۶۵ معادل ۵۳٪ جمعیت شهری کشور در ۱۶ نقطه‌ی شهری با جمعیتی بیش از ۲۵۰هزار نفر ساکن بوده‌اند. ۴۷٪ بقیه نیز در ۴۸۰ نقطه‌ی شهری دیگر سکنی گزیده‌اند.

از مهمترین تئوری‌هایی که در مورد سلسله‌مراتب شهری مطرح شده، می‌توان به قانون *Rank - Size* یا "رتبه - اندازه" اشاره کرد. این قانون بیان می‌کند که، چنان‌چه جمعیت شهر اول یک کشور n باشد، جمعیت سایر شهرهای دوم، سوم، چهارم و ... n باید $\frac{1}{2},\frac{1}{3},\frac{1}{4},\ldots,\frac{1}{n}$ شهر اول باشد.

شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، بیشتر به خط نرمال این قانون نزدیک هستند. اما در کشورهای در حال توسعه، به دلیل وجود یک کلان‌شهر بزرگ و اسکان درصد زیادی از جمعیت شهرنشین کشور در آن و همچنین وجود چندین شهر بزرگ دیگر، شکاف‌های عمیقی در نمودار رتبه - اندازه‌ی شهر، در این کشورها وجود دارد.

تئوری دیگر در مورد تقدم و تسلط تک‌شهری در نظام شهری، شاخص اصلی تمرکز شهری است.

$$\text{شاخص اصلی تمرکز شهری} = \frac{\text{جمعیت بزرگترین شهر کشور}}{\text{مجموع جمعیت شهرهای دوم، سوم و چهارم}}$$

- بررسی روند ایجاد و گسترش تمرکزگرایی در تهران

با شروع دوران حکومت پهلوی تحولات تازه‌ای به وقوع پیوست. تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و ایجاد صنایع مصرفی اولیه آن هم بیشتر در اطراف تهران و مهمتر از همه تمرکز قدرت‌های تصمیم‌گیری کشور به همراه تمرکز اداری و سیاسی در تهران، این شهر را به عنوان شهر اول کشور معرفی کرد. به تدریج وزارت‌خانه‌ها، ادارات و دستگاه‌های دولتی بیشتری به وجود آمدند. همه‌ی این تحولات منجر به پیدایش یک متروپل ناسالم شد و تهران غول‌آسا شکل گرفت.

به گفته‌ی آقای نراقی :

تجربه‌ی توسعه‌ی اقتصادی در ایران نشان می‌دهد، مادامی که شهرهای استانی استقلال سیاسی و اقتصادی نداشته باشند، توسعه‌ی منطقه‌ای، علی‌رغم سرمایه‌گذاری سنگین، سبب توسعه‌ی مداوم نشده و اثر تقویت‌کننده‌ای نخواهد داشت. به همین دلیل، تمرکز سیاسی، اداری و اقتصادی در تهران به ایجاد سکون در توسعه‌ی اقتصادی صحیح کشور منجر شد.

بعد از انقلاب، به منظور تمرکززدائی از تهران تصمیماتی گرفته شد. اما این تصمیمات در عمل نتوانست موفقیت بالایی کسب کند. سیاست‌های جلوگیری از مهاجرت به تهران (مانند محدودیت مجوز مسکن، دفترچه‌ی بسیج اقتصادی و ...) فشار جمعیتی را متوجه نقاط جاذب جمعیت در اطراف تهران نمود که جاذبه‌ای جز مجاورت با تهران نداشتند. تثبیت جمعیت و هدایت مهاجرین به مناطق مطلوب، و همگام با سیاست تمرکززدائی، نادیده گرفته شده و یا مسئولین در انجام آن موفق نبودند.

در سال ۱۳۵۴، ۴۰٪ از کل سرمایه‌گذاری‌های ملی و ۶۰٪ از سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در شهر تهران انجام شد. همچنین در سال ۱۳۶۳ حدود ۶۵٪ از سرمایه‌گذاری‌های جدید در استان تهران صرف شد. این سرمایه‌گذاری‌های عظیم علاوه بر این‌که به ضرر بخش‌های دیگر کشور تمام شد، بسیاری از سرمایه‌های سرگردان و یا قابلیت به کارگیری در سوددهی را از سراسر کشور به خود جذب کرد.

تهران چنان سودآوری هنگفتی را نصیب سرمایه‌داران و حتی بخش‌های دولتی می‌کرد که از به کار اندازی آن در مناطق دیگر صرف‌نظر می‌شد.

در تهران فعالیت‌های ساختمانی و بورس‌بازی زمین دارای نسبت سودآوری زیادی بود. به طوری که سهم تهران از کل سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی در سال ۱۳۵۴ بالغ بر ۴۷.۲٪ بود و ۸۴٪ کل وام‌های مسکن در تهران به مصرف رسید.

- آثار و عوارض تمرکزگرایی در تهران
  - تراکم بیش از حد جمعیت در یک یا چند نقطه
  - تمرکز سرمایه و صنعت
  - تمرکز خدمات و بروز ساختارهای شغلی کاذب و فعالیت‌های ناسالم
  - عدم تعادل در زمینه‌های جمعیتی، اقتصادی در سطح کشور

همچنین تمرکزگرایی در تهران، در سه سطح درون شهری، منطقه‌ای و ملی موجب بروز مشکلاتی گردیده است.

پیامدهای تمرکزگرایی در سطح شهر تهران

تهران به عنوان یک مادرشهر جهان سوم، مهاجرین بسیاری را از روستاها و شهرهای متوسط و کم جمعیت و حتی شهرهای بزرگ به سوی خود کشانده است. هنگامی‌که شهر نانوان از ارائه‌ی مسکن و سایر خدمات شهری به آنان بود، طبقات فقیر و کم‌درآمد، ساکن زاغه‌ها و زمین‌های پست و ارزان شهری شدند. همچنین غیربهداشتی بودن این اماکن، ناهنجاری‌ها و عدم تعادل‌هایی را در شهر منجر شد و مسائل شهری را تحت‌الشعاع قرار داد.

- رواج زمین‌خواری، بساز و بفروشی و بورس‌بازی زمین، امروزه تهران را با مسئله‌ی کمبود و گرانی مسکن و نامطلوب و غیر استاندارد بودن مساکن روبه‌رو کرده است.
- تراکم بیش از حد جمعیت در بسیاری از نقاط و متراکم شدن تدریجی قسمت‌هایی از شهر
- زیاد شدن فاصله‌ی بین محیط کار و زندگی (این مشکل علاوه بر اتلاف وقت شهروندان، به مشکلات رفت و آمد در شهر، به ویژه بخش مرکزی و سایر هسته‌های شهری می‌افزاید.)
- وجود بافت‌های قدیمی و عدم ارائه‌ی طرح‌هایی برای بازسازی و نوسازی آن‌ها و انطباق با زندگی ماشینی امروز و همچنین سیاست‌های نادرست برنامه‌ریزی شهری در ساخت و ایجاد نواحی جدید شهری در تهران، مشکلات ترافیکی، آلودگی‌ها و اتلاف انرژی و وقت را نیز تشدید کرده است.

بروز مشکلات ناشی از تمرکزگرایی در سطح منطقه‌ای

تخصیص هرچه بیشتر تسهیلات به شهر تهران، فشار زیادی بر روی مناطق اطراف آن وارد می‌آورد. چراکه ساکنین مناطق اطراف مجبورند برای تأمین درآمد بیشتر تولیدات و نیازهای خود را به شهر بفرستند.
مهمتر از آن، شهر از یک طرف با توسعه‌ی بی‌رویه، زمین‌های کشاورزی بیشتری را اشغال می‌کند و از طرف دیگر سیستم اقتصادی آن، کالاها و مواد مصرفی و تولیدات کشاورزی و دامی را به سوی خود می‌کشاند.

تمرکز صنایع در تهران نیاز به آب مصرفی و منابع طبیعی بسیار زیادی دارد، که نتیجه‌اش فشار بر روی محیط طبیعی اطراف است. جدای از آن آلودگی هوا، آب و محیط زیست نیز اثر خود را بر روی اکوسیستم منطقه گذاشته است.

اثرات و عوارض ملی و سرزمینی تمرکزگرایی

تمرکز جمعیت در یک یا چند نقطه، برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین را دچار نابسامانی کرده، پیش‌بینی‌ها را تغییر داده و عدم تعادل را در موازنه‌ی توزیع جمعیت در سطح کشور سبب شده است.

به عقیده‌ی آقای حبیبی، تمرکز ناشی از وابستگی برنامه‌ریزی‌های نشأت گرفته از آن، موجب بروز چهار مسئله‌ی زیر می‌شود :

۱. کمبود تولیدات کشاورزی حیاتی ⟵ واردات روزافزون محصولات کشاورزی اولیه
۲. رشد بسیار سریع هزینه‌های اداری و خدماتی
۳. غربی شدن شیوه‌های زندگی و مصرف اقشار مرفه
۴. توسعه‌ی صنعتی و نارسایی آن ⟵ واردات کالاهای صنایع واسطه‌ای پایه

شهرسازی دوره‌ی جدید

مرحله‌ی تحول و دگرگونی در برنامه‌ریزی شهری

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، شهرهای ایران کـه دارای ویژگی‌های تکامل‌یافته در طـی قـرون متمـادی بودنـد، در عرض چند دهه دچار تحولی عظیم شدند. تأثیر آن‌چه که تحت عنوان انقلاب صنعتی اتفاق افتاد، به عنوان موجی فراگیر به کشور ما نیز رسید، اما نه آن‌طور که به صورت آماده‌شدن زمینه‌ی لازم و یا تطبیق با ویژگی‌های سرزمینی و مطابق با خصوصیات فرهنگی و اجتماعی شهروندان و شرایط اقتصادی کشور باشد.

رشد شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در غرب، نتیجه‌ی تغییرات اساسی در نهادهای اقتصادی و اجتمـاعی و انقلابی عظیم در صنعت و تکنولوژی بود. در کشورهای جهان سومی چون ایران، آمادگی قبلی برای پـذیرا شـدن چنین دگرگونی‌هایی پدید نیامد. در این کشورها نه تنها رشد روابط سرمایه‌داری در اثر تحـول و تکامـل سـاخت اجتماعی و اقتصادی جامعه نبود، بلکه به سبب قرارگرفتن در جهت خواست‌های سرمایه‌داری جهانی، وابـستگی و رشدی غیرپایه‌ای را نیز به دنبال داشت.

آغاز این دگرگونی‌های شدید و تأثیرپذیری از رشد سرمایه‌داری را می‌توان از اوایل حکومت پهلوی دانـست. به تدریج این رشد شدت گرفت، و بر شهرها و اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور تأثیر گذاشت.

از دهه‌ی ۱۳۰۰ به بعد در شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشم‌گیـری بـه وجـود آمـد. رشـد و گـسترش خیابان‌ها و ورود اتومبیل به شهرهای ایران، فعالیت‌های تجاری را به کنار خیابان کشانید. این کار سهولت حمل و نقل و توزیع کالا را نسبت به بازار فراهم می‌کرد. بدین ترتیب ساخت شهرها دگرگون شد.

نقش بازار با احداث خیابان‌ها و ایجاد مراکز تجاری در کنار آن‌ها و رواج تولیدات کارخانه‌ای تضعیف شده و نظام محله‌ای درهم شکست. عناصر مذهبی و کالبدی شهری، کارکرد اصـلی خـود را از دسـت دادنـد. فـضاهای مسکونی بدون توجه به سایر فضاهای خدماتی و آموزشی و عمومی لازم ایجاد شده و گسترش یافتند.

اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ موجب تحولات بسیاری چه در روستا، چه در شهر و چه در رابطه‌ی بین این دو در شکل منطقه‌ی شهری گردید.

اقدامات شهرسازی اولیه‌ی حکومت پهلوی، که عبـارت بـود از تحمیـل الگـوی مـشبک خیابـان‌کـشی بـه بافت‌های قدیمی، به تدریج به شکل قوانین "نوسازی و بهسازی" در آمد. همچنین طرح‌های کلیشه‌ای و همانـند و همشکل، موسوم به طرح‌های جامع شـهری در سراسر ایران به اجـرا در آمـد. ایـن طـرح‌هـا چـون در قالـب سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی شهری در کشور تهیه و اجرا نمی‌شدند، نتوانستند موفقیت چندانی را بدست آورند.

به دنبال رشد شدید جمعیت شهرها و نیاز به فضایی تازه و وسیع برای شهروندان تازه‌وارد، تصمیم به احداث شهرها و شهرک‌های جدیدی به منظور اسکان سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ گرفته شد.

شروع اقدامات شهرسازی جدید و تأثیر آن بر روی عناصر و اجزاء اصلی شهرها

با روی کار آمدن رضاخان، فعالیت‌های شدیدی در رابطه با تغییرات فیزیکی شهرها صورت گرفت. این فعالیت‌ها عمدتاً از سال ۱۳۱۰ شروع شد و پس از آن تا سال ۱۳۲۰ ادامه یافت و با شروع جنگ جهانی دوم دچار رکود شد.

نظارت بر این تغییرات که در پی تصویب قانون بهسازی و نوسازی شهرها به عهده‌ی شهرداری‌ها گذاشته‌شده بود، شامل موارد زیر می‌شد :

- عریض کردن راه‌های باریک و قدیمی
- تحمیل یک الگوی مشبک (شطرنجی) که ستون فقرات شبکه‌ی خیابان‌ها را تشکیل می‌داد
- تعمیر محلات قدیمی
- ساخت میادین
- ایجاد ساختمان‌های جدید

اغلب ساختمان‌های جدید را بناهای حکومتی، اداری و انتظامی، بانک‌ها و ایستگاه‌های راه‌آهن تشکیل می‌دادند.

در این دوره قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط چندان مؤثر و مقیدی برای تنظیم امور شهرسازی، نوسازی و بهسازی شهرها تصویب نشد و معیارها و ضوابط سازمانی محکمی برای پیشبرد فعالیت‌های مذکور برقرار نگردید.

اصلاحات مذکور در شهرهای ایران علاوه بر از هم پاشیدن بافت فیزیکی محلات مسکونی و بازار، باعث تضعیف و نابودی تدریجی ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سنتی آن‌ها نیز شد. همچنین با راه‌یافتن اتوموبیل به داخل کوچه‌ها و بافت‌های قدیمی، کاربری‌های قدیمی شهرها کارکرد خود را از دست دادند.

مسائلی که بافت‌های قدیمی با آن درگیر هستند :

- از نظر اجتماعی - فرهنگی و جمعیتی باید گفت که به علت تخلیه‌ی ساکنین ثروتمند بافت قدیم و جایگزین‌شدن مهاجرین جدید، بافت قدیم رو به فرسودگی رفت.

- ساکنین قدیم آشنا به سنت‌های زندگی در بافت و فرهنگ نگهداری از آن بودند. در مقابل مهاجرین جدید نه شناختی از بافت قدیم داشتند و نه در قبال نگهداری و مرمت آن احساس مسئولیت لازم را داشتند.

- اسکان جمعیت زیاد در واحدهای مسکونی بافت قدیم، تراکم و فشار زیادی را بر آن تحمیل کرد.

- از نظر اداری و سیاسی، عدم تمایل سازمان‌های دولتی در احیاء حداقل قسمتی از بافت قدیم، مردم را نیز از وارد شدن به بازسازی بافت قدیم باز داشته است. قوانین جدید دست و پاگیر شده و مسائلی مانند تعریض معابر و عقب‌نشینی به این نابسامانی دامن زده است.

- از دیدگاه معماری و شهرسازی، بافت قدیم در مقابل مظاهر جدید، کارآیی لازم را نداشته و نسبت به مسائل تازه، به عنوان ارگانی زنده و پویا قابلیت انطباق ندارد. بافت قدیم به لحاظ سرعت تغییر و تحولات، امکان رقابت با بخش‌های نوساز و جدید را نیز نیافته و به علت فرسودگی بیش از حد و ضربه‌پذیر بودن مصالح قدیمی به کار رفته در پیکره‌ی آن و لزوم صرف بودجه‌ی زیادی برای ترمیم آن، در اولویت‌های پایین برنامه‌های شهرسازی قرار گرفته است.

- عدم وجود دسترسی در داخل آن‌ها و توزیع ناعادلانه‌ی خدمات دولتی به دلایل گوناگون کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در آن‌ها.

- اکثر اقدامات انجام شده در بافت‌های قدیمی نیز تنها در لبه‌های خیابان‌هایی است که به داخل بافت کشیده‌شده‌اند و سرمایه‌گذاری را مقرون به صرفه می‌کنند. اغلب قسمت‌های عقبی نیز متروک و در حال تخریب هستند.

- تأثیر بر روی بافت بازار

این تحولات جدید بازارها را نیز تحت تأثیر قرار داده و موجب به وجود آمدن تغییرات عمده‌ای، چه در کالبد و چه در روابط و سنن حاکم بر آن‌ها شده است.

در نتیجه‌ی تحولات جدید روابط اقتصادی، و در پی ماشینی‌شدن تولید و ایجاد کارخانجات صنعتی عظیم، کارگاه‌های تولیدی و همچنین تولیدکنندگان داخلی و شخصی، نقش و اهمیت و نفوذ خود را از دست دادند. همراه با این دگرگونی‌ها، اقدامات شهرسازی تازه‌ای نیز انجام گرفت که به ضرر بازارهای قدیمی تمام شد. خیابان‌کشی‌های جدید، مناطق مسکونی و بازارها را به دو قسمت تقسیم کرده و علاوه بر مختل کردن تحرک خطی پیاده و همچنین از بین بردن خاصیت اتصالی فعالیت بازارها، بر روی روابط و امور اقتصادی و تجارتی نیز تأثیر داشته است.

خیابان‌کشی‌های جدید به ۳ صورت بازارها را تحت تأثیر منفی قرار دادند :

حالت اول) بازارهایی که یا در انزوا قرار گرفتند و یا با قطع‌شدن توسط خیابان، شکل فیزیکی سابق خود را از دست دادند و رو به فرسودگی رفته و نقش خود را از دست دادند.

حالت دوم) بازارهایی که با قطعه قطعه شدن توسط خیابان، مطابق با عملکردها و نیازهای جدید تغییر نقش داده و دگرگونی‌هایی را پذیرفتند.

حالت سوم) بازارهایی که توانستند به واسطه‌ی تنوع و گوناگونی در عرضه‌ی محصولات خود و همچنین نقش مهمی که در گذشته در سطح کشوری و بین‌المللی داشتند، به حیات خود ادامه داده و در برابر تغییرات جدید مقاومت کنند و ادامه‌ی حیات دهند. اما به ناچار عرضه‌کننده‌ی بسیاری از کالاهای مصرفی جدید شدند.

بازارها که به دلیل تغییر سیستم ارتباطی، پیوستگی و ارتباط کامل و مطلوب خود را با سایر نقاط شهر از دست دادند، روزبه‌روز بیشتر در انزوا قرار گرفتند و این روند منجر به از دست رفتن نقش اصلی آن‌ها شد.

تبدیل شدن زمین به یک کالای پردرآمد و رواج بورس‌بازی زمین، بازار را نیز تحت تأثیر قرار داد؛ چراکه روزبه‌روز بر ارزش مغازه‌های کنار خیابان و داخل پاساژها افزوده شد و بازارها مورد بی‌توجهی بیشتری قرار گرفتند. تخریب تدریجی بازار به دلیل قدیمی بودن ساخت آن، و همچنین کم دوام بودن مصالح قدیمی به کار رفته در آن، به همراه بی‌توجهی به تعمیر آن به نسبت گذشته، عوامل مؤثر دیگر در نابودی بازار بودند. بازارها به دلیل بافت پیچیده و ناهماهنگ با شرایط امروزی، نتوانستند به طور کامل از تسهیلات و تأسیسات جدید شهری مانند فاضلاب، آب، گاز، آتش‌نشانی و ... استفاده کنند.

مشکلات عمده‌ی بازارهای ایران :

۱- فقدان تجهیزات و تسهیلات لازم ۲- وضع بد معابر و شبکه‌ی ارتباطی ۳- عدم دسترسی و سهولت در ارتباطات ۴- مشکلات بارگیری و باراندازی ۵- عدم مرمت و نگهداری و در نتیجه فرسودگی ۶- رکود اقتصادی ۷- کمبود فضای سبز و وسایل تفریحی ۸- از بین رفتن تجمع صنفی و نظام داخلی بازار ۹- ایجاد بناهای جدید بدون درنظر گرفتن خصوصیات بافت

- تغییر و تضعیف نقش سایر فضاها و عناصر قدیمی

این تغییرات و تأثیرپذیرفتن‌ها باعث شد تا از یک طرف فضاها و عناصر قدیمی، با توجه به شرایط، امکانات و تسهیلات جدید ارائه شده، دیگر از جانب شهروندان کاربردی نداشته و خود بـه خـود متـروک شـوند و تنهـا از جنبه‌ی معماری مورد توجه قرارگیرند. مانند آب‌انبارها، سرداب‌هـا و حمـام‌هـای قـدیمی، کـه در پـی عرضـه‌ی خدمات شهرسازی جدید مانند لوله‌کشی آب و یا ایجاد و توسعه‌ی اماکن بهداشتی، کارکرد قبلی خود را از دست دادند. از طرف دیگر عناصر و فضاهایی که می‌توانستند در خدمت شرایط جدید قرار بگیرند، به صورتی صحیح و یا مطلوب در خدمت نیازهای شهرسازی جدید قرار نگرفتند.

+ یعنی یا نقش خود را از دست دادند (مانند آب‌انبارها) و یا نقش آن‌ها تضعیف شد (مانند مساجد).

میادین که محل تجمع افراد برای جشن‌ها، برگزاری مراسم مختلف و تشکیل بازارهـا و مـسابقات ورزشـی و نمایشی بودند، با گسترش شهرها و ایجاد مراکز فرهنگی، تجاری و ورزشی - تفریحی مناسب و مخـصوص، نقـش خود را از دست داده و به پارکینگ ماشین‌ها و یا به فضاهای باز شهری تبدیل شدند.

به دلیل گستردگی زیاد شهرها نسبت به اندازه و وسعت پیشین آن‌ها، بسیاری از قسمت‌های شـهر، از مرکـز اصلی که مسجد جامع در آن قرار داشت، دورمانده و با ایجاد دسترسی‌های جدید بـه مراکـز جدیـد و فـضاهای نوساز، افراد از مراجعه به عناصر قدیمی مرکز شهر و متصل به مسجد باز ماندند.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد،

مسئله‌ی دیگری که سوای از تأثیرات شهرسازی و خیابان‌کشی‌های جدید باید از آن به عنوان عامل مؤثر در نابودی و فرسودگی فضاها و عناصر قدیمی شهرها نام برد، مسائلی چون ارث است. بـسیاری از امـاکن و فـضاها چون کاروان‌سراها، تیمچه‌ها و خانه‌های با ارزش معماری - تاریخی، به خـاطر تقـسیم شـدن بـین ورثـه و ایجـاد اختلاف بین آن‌ها، یا بدون توجه مانده و فرسوده شدند و یا یک‌باره به قصد تقسیم آن تخریب و تکه تکه شدند.

تحلیلی از رشد و توسعه‌ی فضایی شهرهای ایران

توسعه‌ی فیزیکی و رشد جمعیتی شهرهای ایران تا چند دهه‌ی پیش دارای افزایشی هماهنگ و متعادل بود. با بروز تحولات جدید، شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به سرعت دچار تغییرات و دگرگونی‌هایی شدند. این دگرگونی‌ها به شکل افزایش سریع جمعیت و گسترش فیزیکی شتاب‌آمیز شهرها، و به صورتی نامتعادل و ناهماهنگ بوده است. اگرچه شهرها دارای گسترش فیزیکی وسیعی بوده‌اند، اما در قالب این گسترش فیزیکی وسیع نیز تعادل برقرار نبوده و سطح زیرِ ساخت شهری بیشتر تحت تسلط ساختمان‌های مسکونی بوده است. در حقیقت بین کاربری‌های شهری و اختصاص زمین و سرانه‌های شهری متناسب هر یک، تناسب معقولی برقرار نبوده است.

تعریف رشد و توسعه‌ی شهری :

توسعه‌ی شهری عبارت است از گسترش هماهنگ و متعادل سطح اختصاص داده شده به ساختمان‌های مسکونی در یک شهر با سطوح مورد نیاز سایر کاربری‌ها و همچنین تجهیز این سطوح به تأسیسات، امکانات و تجهیزات مورد نیاز و در سطحی استاندارد و قابل قبول.

به عبارت دیگر . . .

در توسعه‌ی شهری باید به برابری و تعادل بین کیفیت و کمیت آن‌چه که احداث می‌شود، از یک سو و از سوی دیگر به تعداد و اندازه‌ی جمعیت شهرنشینی که در این مناطق جای می‌گیرند، اهمیت داد.

اما در مقابل، رشد شهری، گسترش خود رو و بی‌رویه‌ی شهرک‌ها و مناطق مسکونی و افزایش بی‌اصول و نابرابر سطوح مختلف شهری است. در واقع این مسئله را می‌توان از یک سو انبوهی جمعیت و از سوی دیگر ساختمان‌سازی صرف، بدون توجه به احتیاجات مورد نیاز در حال و آینده و به عبارتی افزایش کاربری مسکونی و تخصیص حداقل سرانه‌ها و فضاها به سایر کاربری‌ها دانست و به آن "پیشی‌گرفتن رشد بر توسعه" یا "تقدم مقیاس بر عملکرد" و "برتری کمیت بر کیفیت" نام داد.

مراحل رشد و توسعه‌ی فضایی شهرهای ایران

روند رشد و توسعه‌ی شهری شامل ۷ مرحله است :

ایجاد هسته‌ی اولیه (بافت تاریخی) ⟵ شکل‌گیری بافت قدیمی ⟵ بافت میانی ⟵ بافت جدید

بافت پیرامونی (شهرک‌سازی) ⟵ بافت اقماری ⟵ گسترش متروپلی و ایجاد شهرهای جدید

- مرحله‌ی اول ، بافت تاریخی، ایجاد و گسترش هسته‌ی اولیه‌ی شهرها

بافت تاریخی را می‌توان هسته‌ی اولیه‌ی شهر دانست.

بافت تاریخی = هسته‌ی اولیه‌ی شهر

قلعه یا ارگ و آن‌چه که به عنوان پایه‌گذاری یک شهر جدید، در زمان‌های پیش ساخته شده، می‌تواند تمام بافت تاریخی به خود بگیرد.

در بافت تاریخی شهرها معمولاً ساختمان‌های قدیمی و بناهای بسیار با ارزش و هسته‌ی اولیه‌ی بازارها قرار دارد.

- مرحله‌ی دوم ، بافت قدیمی، شکل‌گیری شهر ایرانی - اسلامی

بافتی است که به دور هسته‌ی اولیه‌ی شهرها (بافت تاریخی) تنیده شده. انتهای مرحله‌ی زمان شکل‌گیری این بافت به اواخر دوره‌ی قاجار می‌رسد، یعنی قبل از تغییرات جدید حکومت پهلوی

هم‌زمان و همراه با رشد بافت قدیمی، تجهیزات و تأسیسات اولیه‌ی مورد نیاز شهروندان نیز در آن به وجود آمد. همچنین محلات به تدریج شکل ویژه‌ی خود را یافتند.

+ از نظر سبک معماری، تا این دوره ویژگی‌های معماری اصیل ایرانی حاکم بوده است.

اکثر شهرهای ایرانی دارای ساخت متحدالمرکز هستند، مانند تبریز، اصفهان، اردبیل، و تهران. وجود این ساخت متحدالمرکز باعث گسترش هسته‌ی اولیه‌ی شهرها به دور منطقه‌ی مرکزی شد.

- مرحله‌ی سوم ، بافت میانی، رشد آرام شهرها و شروع تغییرات کالبدی در آن‌ها

با شروع شهرسازی دوره‌ی جدید، بافت میانی، با رشدی آرام هسته‌ی تاریخی و بافت قدیمی را در برگرفت. مرحله‌ی زمانی تشکیل این بافت را می‌توان از سال ۱۳۰۰ تا اوایل دهه‌ی ۴۰ دانست.

هم‌زمان با شکل‌گیری بافت میانی شهرها، تغییرات کالبدی جدیدی نیز در بخش قدیمی شهرها صورت گرفت. خیابان‌کشی‌های جدید، و به دنبال آن تغییر شکل لبه‌ی خیابان‌ها و ایجاد ساختمان‌های تازه. اما قسمت عقب دست نخورده باقی ماند.

+ مرحله‌ی تخریب بافت قدیمی با ایجاد میادینی در مرکز شهرها و خیابان‌های صلیبی شروع شد.

خصوصیات بافت میانی در شهرها :

- پهن‌تر بودن کوچه‌ها
- وجود نشانه‌هایی از خیابان‌بندی‌ها
- ایجاد درخت‌کاری و پیاده‌روها و نماسازی در حاشیه‌ی خیابان

این بافت طی رشد اغلب نیمه‌ارگانیک خود، به پیروی از مسیرهای آب‌یاری و نحوه‌ی تقسیم مزارع و باغات شکل گرفت.

- مرحله‌ی چهارم ، بافت جدید، شروع شتابان شهرسازی و گسترش بی‌رویه‌ی شهرها

با شروع دهه‌ی ۴۰ و با شدیدتر شدن تغییر و تحولات در اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور، بافت جدید به دور بافت قبلی شهرها شکل گرفت.

ویژگی‌های شهری در این دوره :

افزایش آپارتمان‌سازی - تشدید روند ایجاد کارخانجات و تأسیسات صنعتی - رواج تشدید بورس‌بازی زمین
تشدید شیب اجتماعی و طبقاتی در شهرها - گسترش حاشیه‌نشینی

با گسترش سریع شهرها و افزایش رشد شهرنشینی، سطح بسیار زیادی از اراضی اطراف شهرها به زیر ساختمان رفته و تعادل زیست محیطی بین سطح شهر و باغات و اراضی کشاورزی به هم خورد. گسترش فیزیکی شهرها بدون برنامه و بدون هیچ نظارت و کنترلی از طرف سازمان‌های دولتی صورت گرفت، و قسمت‌های زیادی از سطح شهرها به ساختمان‌های مسکونی و شبکه‌های معابر اختصاص یافت.

توقف و رکود در اجرای قوانین نوسازی و بهسازی شهرها، طی سال‌های ۴۵-۱۳۲۰، خود تشدید کننده‌ی گسترش بی‌رویه‌ی شهرها بود.

- مرحله‌ی پنجم ، بافت پیرامونی، گسترش شهرک‌سازی

با افزایش جمعیت شهرها و مهاجرت شدید روستاییان به شهرها، نیاز به مسکن و خدمات شهری افزایش یافت و قیمت زمین به شدت بالا رفت. مهاجرین فقیر که به دنبال سرپناهی برای سکونت بودند، به نقاط پست داخل و یا خارج شهر روی آوردند. از سوی دیگر به دنبال ایجاد کارخانجات متعدد و ایجاد ادارات گوناگون، نیاز به ایجاد شهرک‌ها و محلاتی جهت اسکان کارگران و کارکنان کارخانجات و ادارات احساس شد. به همین سبب، شهرک‌سازی‌ها و ایجاد مجتمع‌های مسکونی- اداری و کارگری و محلات جدا از شهرها، ولی وابسته به آن شدت گرفت. این مناطق در حقیقت نقش خوابگاهی داشته و وابسته به شهر مادر بودند. گسترش شهرها در این دوره به موازات جاده‌های ارتباطی صورت گرفت. این امر به شکل‌گیری نقشه‌ی شهرها به صورتی خطی - شعاعی دامن زد.

- مرحله‌ی ششم ، بافت اقماری، گسترش ناپیوسته‌ی شهر

این بافت شامل ایجاد شهرک‌های گوناگون در اطراف شهرهای بزرگ بود.

شهرک‌ها و نقاط جمعیتی ایجاد شده و یا گسترش‌یافته در این دوره، به ۳ دسته تقسیم می‌شوند :

۱. شهرک‌های اقماری و خوابگاهی ←—— این شهرک‌ها از امکانات کافی جهت زندگی بی‌بهره‌اند.

۲. مناطقی که با تغییر شکل روستاها و نقاط جمعیتی اطراف شهرهایی چون تهران به صورت شهرک‌ها و نقاط مسکونی جدید درآمدند. ←—— این نقاط بدون پیش‌بینی زیرساخت‌های منطقه‌ای کافی و تأسیسات و تجهیزات شهری لازم ایجاد شدند.

۳. توسعه‌ی بی‌رویه و بدون برنامه‌ی روستاها و نقاط جمعیتی اطراف شهرها به همان شکل و صورت روستایی و اولیه

بسیاری از این شهرک‌ها به منظور اسکان شاغلین در شهر بزرگ شکل گرفتند. رشد سریع این شهرگونه‌ها و رواج ساخت و سازهای بی‌برنامه و اسکان جمعیت مهاجر، منجر به پیدایش مشکلات بسیاری چون عدم تعادل بین فضاهای شکل‌گرفته، شیوع مسائل اجتماعی، روحی و روانی ناشی از تقابل بین فرهنگ‌ها و سنت‌ها و ... شد.

- مرحله‌ی هفتم ، گسترش متروپلی شهر به همراه ایجاد شهرهای جدید

رشد سریع و وسیع شهرهای بزرگ چون تهران، پیدایش شهرک‌های خود رو و متراکم شدن شهرهای کوچک و متوسط اطراف این شهرها، منجر به پیدایش شبکه‌ی شهری گسترده‌ای شد. این گسترش متروپلی، به سبب عدم وجود برنامه و نظارت و کنترل، منجر به پیدایش مشکلات بسیاری در سطوح شهری، منطقه‌ای و کشوری شد.

"شهر مادر" که ناتوان در ارائه‌ی خدمات، تسهیلات و شغل، به تازه‌واردین و جمعیت در حال رشد است، روزبه‌روز متراکم‌تر شده و به حالت انفجاری نزدیک‌تر می‌شود. در مقابل شهرک‌ها و نقاط جمعیتی خود رو در جواب به ناتوانی شهر مادر، رشد و گسترش می‌یابند.

به دنبال روبه‌رو شدن شهرهای بزرگ با چنین مشکلاتی، از اوایل دهه‌ی ۷۰ تصمیم به ایجاد شهرهای جدید گرفته شد. *(البته قبل از آن هم ایجاد شهرهای جدید تجربه شده بود، ولی این‌بار در شکلی وسیع مطرح شد.)*

یعنی نقاط جمعیتی بزرگ، مجهز و با برنامه‌ای که قادر به جوابگویی به رشد شدید جمعیت شهری و تأمین کمبود امکانات و تسهیلات شهرهای بزرگ موجود و منطقه‌ی استقرار باشد.